

استخراج از جفر جامع:

هر چند این علم شریف را قواعد بسیاری است و طرق بیشماری و هر کدام از صاحبان این فن بطوری خاص طی طریق فرموده و راهی به آن یافته اند و جمع بسیاری هم به دروغ مدعی داشتن این علم بوده و هستند و اوراق پاره های زیادی از خود بساختگی انتشار داده و موجبات سرگردانی بسیاری شده اند که کمتر ضرر آن بیهوده وقت گذرانیدن بوده و هست و از اینباب مسئولیت عظیمی گردن گیر آنها است لکن اصل این علم بر مبنای صحیحی است که بسیاری از بزرگان به آن دست یافته و از جهت اینکه مبدا موجب اختلال نظام و ملعبه عوام گردد طریقه اخذ مستحصله آنرا مخفی داشته تا دستاویز اشخاص نا لایق نگردد زیرا که ارباب طمع بسیار و در طریق جهالت رهسپارند از این راه بحکم المرء عدو لما جهله با کسانی که سالک این طریقتند بجرم آنکه به آنها تعلیم داده نمی شود صاحبان این علم را هدف یاوه گویی و انتقاد خود قرار می دهند بهر کیفیتی که باشد . آری دشمن طاووس پروبال اوست . حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب استعلام معاویه از آنحضرت میفرماید ” ان الحكم كتموها لكيلا يتلاعب به الناس ” یعنی حکما کتمان کردند آنها را تا مردمان با آن بازی نکنند در هر حال مصنف و مؤلف در نظر گرفتم قاعده مضبوطه ای را که نتیجه زحمات چندین ساله اینجانب است که بر اساس محکم علمی استوارد و دو تا چهارتا در اینباب از خود در صفحه روزگار بیاد گار گذارم هر چند بر خلاف رویه گذشتگان باشد و آن قاعده اتصالات است که در تشریح وتوضیح آن احدی بر من سبقت نگرفته و بی پرده سخن نگفته چنانچه اشخاص مبتدی هم که فی الجمله ارتباطی دارند این معنی را تصدیق خواهند کرد ولیکن پس از مطالعه و بررسی کردن آنچه که در این کتاب مینویسم اکنون شرح و بیان قاعده شریفه را که مشتمل است بر چهار مقدمه و دو باب و یکخاتمه بمعرض عرض علاقه مندان میگذارم .

غرض نقشی است کز ما باز ماند که هستی را نمیبینم بقائی

مقدمه اولی

بدانکه جفر در زبان اهل فن علمی است که بآن شناخته میشود اتصالات حروف ابجدی بیست و هشت گانه بیکدیگر برای تحصیل ثمرات مجهوله و فائده آن دانستن وقایع و حوادث مجهوله و امور مبهمه است از گذشته و حال و آینده که آنهاحاصل نمی شود مگر به دانستن احکام اتصالات حروف بیکدیگر و موضوع آن حروف بیست و هشتگانه ابجدی است.

مقدمه ثانیة

اتصالاتی که در این علم باید دانست و هنگام عمل بکار برد بر سه قسم است :
اول : اتصال کلی جامع – دوم : اتصال عنصری – سوم : اتصال مرتبه ای
اتصال در سه فصل بیان خواهد شد .

فصل اول:

اتصال کلی جامع آنستکه حروف بیست و هشت گانه ای که بیکدیگر اتصال پیدا میکنند مشتمل میشوند بر هفتصد و هشتاد و چهار صورت که از ضرب بیست و هشت در بیست و هشت حاصل میشوند زیرا که حروف ابجد بیست و هشت میباشد و هر یک از آنها بیست و هشت قسم اتصال میکند لهذا از ضرب بیست و هشت در خود حاصل ضرب هفتصد و هشتاد و چهار میشود وبهین جهت است که این اتصال را اتصال کلی جامع میگویند- برای اینکه عدد آن معلوم باشد و هنگام عمل معطل نمائی

بجدول زیر نظر نما:

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
۲۸	۵۶	۸۴	۱۱۲	۱۴۰	۱۶۸	۱۹۶	۲۲۴
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
۲۵۲	۲۸۰	۳۰۸	۳۳۶	۳۶۴	۳۹۲	۴۲۰	۴۴۸
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ
۴۷۶	۵۰۴	۵۳۲	۵۶۰	۵۸۸	۶۱۶	۶۴۴	۶۷۲
		ذ	ض	ظ	غ		
		۷۰۰	۷۲۸	۷۵۶	۷۸۴		

و نیز برای سهولت در عمل جدول طرح درجی اتصال کلی را نوشتیم تا واضح باشد

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۲۸	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
۸	۶	۴	۲	۳۰	۲۸	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰
	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ	
	۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰	۸	۶۰	۴	

اتصال کلی دو طرح دارد یکی طرح درجی یکی طرح منازلی چنانچه شرح داد ه خواهد شد برای سهولت و آسانی عمل جدول طرح منازلی هم شرح داده میشود در نظر بگیرید:

جدول طرح منازلی

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
۲۰	۲	۱۲	۲۲	۴	۱۴	۲۴	۶	۱۶	۴
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
۲۰	۸	۲۴	۱۲	۲۸	۱۶	۴	۲۰		

این دایره و دایره های پشت این صفحه در اتصال جامع کلی بکار می آید برای طرح درجی و منازلی

دایره اهرمی

آتشی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
آبی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

این دایره در اتصال طبیعی بکار میاید و طرح آن طرح افلاکی است

فصل دوم

باید دانست هر حرفی که بحرف دیگر متصل شود باعتبار طبیعتی که دارند احکامی برای آنهاست که باید مستخرج آنها را بداند تا در وقت عمل سرگردان نماند و این اتصال را اتصال طبعی و عنصری گویند زیرا که حروف بیست و هشتگانه هفت حرف از آن آتشی و هفت حرف بادی و هفت حرف آبی و هفت حرف خاکینند که دایره اطمینی بالا از آن تشکیل داده شده و آنها از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب پیدا میکند باعتبار مماثل بودن و موافق بودن و مخالف بودن و ضد و نقیض بودن فلذا بواسطه اختلافی که دارند بعضی طالب و مطلوب و بعضی ضد و نقیض و بعضی مخالف با یکدیگرند برای مزید آگاهی جدول آینده را ترسیم نمودم.

جدول طبایع حروف با همدیگر

آتش و آتش	باد و باد	آب و آب	خاک و خاک	آتش و باد	باد و آتش	آب و خاک	خاک و آب
موافق	موافق	موافق	موافق	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب
آتش و خاک	خاک و آتش	باد و آب	آب و باد	آب و آتش	آتش و آب	باد و خاک	خاک و باد
مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	ضد و نقیض	ضد و نقیض	ضد و نقیض	ضد و نقیض

فصل سوم

از جمله آنچه که برای استخراج در این قاعده لازم است دانستن آن احکام اتصال مرتبه ایست و آن عبارت است از اتصال آحاد با آحاد و عشرات با عشرات و مآت با مآت و الف با الف و این مراتب چهارگانه به چهار قسمت منقسم میشوند و از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب میشود و احکام هر یک از اتصالات ذکر خواهد شد انشاءالله تعالی شأنه

مقدمه چهارم

در کیفیت و آداب سؤال کردن و آن مشتمل است بر چند امر.

اول: سؤال را با ساعت روز یا شبی که سؤال میشود با نام مکان سؤال بحروف مقطعه بنویس همه را در یک سطر بردیف خود با مکررات حروف که این عمل را اهل این فن در اصطلاح خود رقم گویند.

دوم: رقم هندسی هر یک را بحساب ابجد کبیر در زیر آن مرتب بنویس پس از آن همه اعداد رقمها را جمع کن این حاصل جمع را مدخل ابجدی مینامند .

سوم: اعداد رقمهای حروف سؤال را تنزل بده یعنی عشرات حروف آن را رد بآحاد کن و مآت را رد بعشرات کن و الف را رد به مآت کن .

چهارم: هر یک از اعداد ارقام حروف را بزیاد کردن یکمرتبه ترقی بده و آنرا جمع کن و حاصل آن جمع را مدخل وسیط مینامند لکن باید رقمهای اعدادی که در گرفتن مدخل صغیر تنزل داده شد بحالت قبل از تنزل گذارد یعنی اگر از عشرات بوده بهمان حال باقی باشد و اگر از مآت بوده بحال مآتی باقی باشد و اگر الف دارد چون قابل تنزل نیست آن را ده حساب کرد و آنچه در مدخل صغیر بهمان احوال باقی بوده آنرا نیز ترقی باید داد .

پنجم: پس از آن دو حاصل جمع اعداد مدخل صغیر را با حاصل جمع اعداد مدخل وسیط را جمع کن این دو مدخل را مدخل کبیر گویند .

ششم: پس از آن اعداد چهار مدخل را بترتیب سطری کن پس از استنطاق و ملفوظی کردن آن اعداد .

هفتم: مکررات سطر سؤال را که سطر اول عمل بوده ببنداز و آنچه غیر مکرر است به آخر سطر استنطاق ملحق کن و همه را یک سطر کن بترتیب این سطر را سطر اساس گویند تا اینجا همه مقدمه بود برای تشکیل این سطر .

هشتم: بعد از اینکه سطر اساس را منظم کردی در زیر هر حرفی از آن نظیره ابجدی آن حرف را بنویس وسطرنظیره را تمام کن . و بدانکه هر حرفی در دایره ابجد پانزدهم حرف آن نظیره آنحرف است مثلاً حرف الف در ابجد نظیره آن سین است و بالعکس و نظیره با غین است و بالعکس و هکذا باقی حروف .

جدول نظيره ابجدی از اينقرار است:

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظيره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

نهم: پس از آن سطر نظيره ابجدی را از دائره ايقيغ نظيره بگيرد و در دايره ايقيغ نيز حرف پانزدهم آن نظيره همان حرف است و بالعكس

دائره ايقيغ اين است :

اساس	ا	ی	ق	غ	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
نظيره	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ

دهم: سطر نظيره اهطمی بگير بهمان نحو که گفته شد که حرف پانزدهم نظيره آنحرفست و بالعكس دائره اين است چنانچه قبلاً هم نوشته شد .

دائره اهطم اين است :

اساس	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
نظيره	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

برای اینکه زحمت عامل کمتر باشد جدول زیر را تنظيم کردم که در وقت نظيره گرفتن محتاج بدائره ابجد و ايقيغ و اهطم نباشد و اين جدول نظيره اهطمی است که از ايقيغ گرفته شده و نظيره ايقيغ از نظيره ابجد معروف گرفته شده که اين جدول نظيره نظيره است برای اساس که بعد از تنظيم سطر اساس فقط از همين دائره نظيره گرفته شود مقصود حاصل است (و دائره اينست)

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظيره	ض	ص	ث	خ	ح	ن	ق	ر	ل	د	ا	ب	ز	م
اساس	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
نظيره	ع	ت	ظ	غ	ذ	ف	ط	ی	س	ش	ه	و	ک	ج

برای تقريب بذهن و خوب واضح شدن مقدمه قبل مثالی ذکر میکنم تا خوب مطلب واضح شود. مثال: در دو ساعت از روز جمعه گذشته سؤال کردم (چه کنم که سعادت يابم).

	تقطيع کردم باين کيفيت													
	چ	ه	ک	ن	م	ک	ه	س	ع	ا	د	ت	ی	ا
	۳	۵	۲۰	۵	۴۰	۲۰	۵	۶۰	۷۰	۱	۴	۴۰۰	۱۰	۱
	۳	۵	۲	۵	۴	۲	۵	۶	۷	۱	۴	۴۰	۱۰	۱
	اعداد ابجدی کبير													
	۳	۵	۲۰	۵	۴۰	۲۰	۵	۶۰	۷۰	۱	۴	۴۰۰	۱۰	۱
	۳	۵	۲	۵	۴	۲	۵	۶	۷	۱	۴	۴۰	۱۰	۱
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	اعداد ابجدی وسیط بترقی													
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	اعداد ابجدی کبير													
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	اعداد ابجدی کبير													
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	اعداد ابجدی وسیط بترقی													
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰
	۳۰	۵۰	۲۰	۵۰	۴۰	۲۰	۵۰	۶۰	۷۰	۱۰	۴۰	۴۰۰	۱۰	۱۰

مدخل ابجدی مدخل صغیر مدخل وسیط مدخل کبیر
۲۰۸۰ ۲۸۰ ۲۸۰۰ ۳۰۸۰

باسقاط مازاد از هزار چهار مدخل از اینقرار است:

ابجدی صغیر وسیط کبیر
۱۰۸۰ ۲۸۰ ۱۸۰۰ ۱۰۸۰
ملفوظی: ف غ ف ر ض غ ف غ

مداخل اربعه استنطاق	ابجدی	۱۰۸۰ ک غ	صغیر	۲۸۰ ف ر	وسیط	۱۸۰۰ ض غ	مدخل کبیر	۱۰۸۰ ف غ
غیر مکرر حروف سؤال	چ ه ک ن م	س ع ا د ت	ی ب و	ز ر ط	اینحروف را بعد از حروف مداخل ملحق کن			
سطر اساس	ف غ ف ر	ض غ	چ ه ک ن	م س ع ا	د ت ی ب	و ز ر ط		
سطر نظیره ابجدی	ج ف ج و	ل ن ج ن	ف ق ذ غ	ظ ا ب س	ص ح خ ع	ر ش و ث		
نظیره ایقغی نظیره بالا	ذ ا ذ ق	ح ا ذ ا	ش و ج س	ه ن خ غ	ت ل ب ر	ع ف ق ی		
نظیره اهطمی نظیره ایقغی بالا	ظ ج ظ ف	و ج ظ ج	ث ح ا م	ز ع ت ض	خ ی د ص	ن ق ف ل		
مستحضره	ظ و ث ز	خ ن ج ج	ح ع ی ق	ظ ا ت	د ف ف ج	م ض ص ل		
چهار حرف بالا مستحضره مستحضره آن تلافی ندارد	چهار حرف بالا تلافی ندارد	طرح منازلی و بروجی دردو حرف اول نمیروند و حسب مستحصله گرفتن تلافی دارد و حروف مطلوب ی و ق تلافی درجی و منازلی ندارد ولی طرح بروجی دارد	ظ و ط تلافی ندارد آ و ق یک طرح افلاکی و یک طرح بروجی دارد باید تلافی شود	این چهار حرف تلافی ندارد مگر در ف و ج که یک طرح منازلی دارد	این چهار حرف مطلقاً تلافی ندارد			

یازدهم: باید از سطر مستحضره مستحضره مستحضره گرفته شود بقاعده اتصالات سه گانه

(کلی جامع و طبعی عنصری و مرتبه ای) به طریقی که نموده میشود باید از برای هر حرفی چهار حرف تحصیل کرد این است معنای شعری که بعضی از اهل فن گفته اند:

بقسمت چار کن هر حرف خود را شود مستحصله بهر تو آسان

و کیفیت اخذ چهار حرف برای هر حرفی را در باب اول شرح خواهم داد انشاءالله

باب اول

در بیان طریق گرفتن چهار حرف از برای هر حرفی حروف مستحضره که این چهار حرف را مستحضره مستحضره مینامند بدانکه این چهار حرف را از سه اتصال نام برده شده می باید گرفت یک حرف از اتصال جامع کلی و یک حرف از اتصال طبعی عنصری و دو حرف از اتصال مرتبه ای قاعده چنین است که دو حرف دو حرف باید عمل شود قبلاً در مقدمه گفته شد که تمام عدد اتصال کلی هفتصد و هشتاد و چهار است که عدد صفحات جفر جامع است که از ضرب بیست و هشت در بیست و هشت

حاصل شده چنانچه الف در عدد یکست و با هر یک از بیست و هفت حرف باقی اتصال پیدا می کند و همچنین سایر حروف اکنون طریق حرف گرفتن از اتصال کلی را برایت شرح میدهم و خوب دقیق باش و بفهم که چه می نویسم و تصدیق کن که واضح تر از این کسی ننوشته بدون لغز و معما و انصاف ده که هیچ مضایقه ای در پرده برداشتن از روی مطلب نکرده ام و بر خلاف روش اهل فن بی اغماض پرده دری کرده ام و از خدا طلب آمرزش میکنم .

غرض نقشی است کز ما باز ماند
مگر صاحب دلی روزی بر حمت

که هستی را نمی بینم بقائی
کند در حق درویشان دعائی

باری بعد از آنکه سطر نظیره را چهار چهار فاصله دادی نظر کن به دو حرف اول از چهار حرف اول بین کدام یک از حروفند پس نظر کن در دائره اتصال کلی که جدول آن در مقدمه اول نوشته شده و عدد اتصال کلی حرف ما قبل آنرا بین چقدر است با عدد ابجد وضعی حرف دوم جمع کن و حاصل جمع را سی سی طرح کن این طرح را طرح درجی گویند بعد از طرح بین چند عدد باقیماند با عدد وضعی ابجدی هر دو حرف جمع کن و بیست و هشت بیست و هشت طرح کن و بعدد آنچه باقی ماند از بعد حرف اول نظیره حرف بشمار و آنحرفی را که عدد به آن منتهی شد آن حرف را مستحضره مستحضره حرفاول بدان و باز بعدد همان عددی که بعد از طرح بیست و هشت باقی ماند بعد از حرف دوم نیز حرف بشمار بهر حرفی که منتهی شد آن مستحضره مستحضره حرف دوم است مثلاً دو حرف اول از چهار حرف اول سطر نظیره اخیر (ظ) و (و) بود در دائره اتصال کلی نظر کردم حرف ماقبل آن (ض) بود و عدد آن هفتصد و بیست و هشت عدد ابجد وضعی حرف (و) که شش بود بر آن افزودیم هفتصد و سی و چهار شد سی سی طرح کردیم چهارده باقی ماند عدد ابجد وضعی ظا که بیست و هفت است و واو که شش است بر آن افزودیم جمعاً چهل و هفت شد بیست و هشت از آنرا طرح کردیم نوزده باقی ماند از بعد حرف طا در دائره ابجد نوزده حرف شمردیم بحرف ص رسید دانستیم که ص مستحضره مستحضره ظ است از اتصال کلی آنرا نوشتیم و از بعد حرف واو در دائره ابجد نیز نوزده حرف شمردیم بحرف ذ رسید دانستیم که ذ مستحضره مستحضره واو است آنرا نوشتیم پس از برای هر یک از این دو حرف از اتصال کلی حرفی حاصل کردیم

قاعده کلیّه

اگر عدد اتصال کلی قابل طرح درجی یا منازلی نباشد باید بطرح بروجی برده شود مانند دو حرف ن و ب و دو حرف ز و ع و در وقت مستحصله گرفتن تلافی شود از چهار حرف مستحضره باین نحو که پس از آنکه آن چهار حرف را بطرح منازلی بردیم آن طرحی که عمل نشده اگر درجی بوده یا طرح منازلی یا هر دو هنگام مستحصله گرفتن بر عدد چهار حرف مستحضره اضافه میکنیم تا قابل طرح شود و بطرح میبریم چنانچه در دو حرف ز و ع اینکار را میکنم مثلاً برای اینکه این مطلب خوب واضح شود میگوئیم عدد اتصال کلی ن و ب سیصد و شصت و شش عدد است به این بیان که حروف ماقبل ن در جدول اتصال کلی م است و آن سیزده بیست و هشت است که جمعاً شصت و شصت و چهار میشود و عدد ب در دائره ابجد وضعی دو است که چون بر عدد مجموع کلی ن اضافه کنیم سیصد و شصت و شش میشود پس از آنکه بطرح درجی بردیم که قاعده کلیّه این اتصال است شش عدد باقی میماند با عدد ابجد وضعی ن و ب که شانزده است چون اضافه کنیم بیست و دو میشود که بطرح بیست و هشت نیز که قاعده کلیّه این اتصال است نمیرود لذا قاعده آن است که آنرا بطرح بروجی ببریم و در هنگام مستحصله گرفتن تلافی کنیم پس از طرح بروجی ده باقی میماند از بعد حرف ن در دائره ابجد ده حرف می شماریم بحرف دوازدهم میرسد و آن حرف ذ است پس مستحضره ن از این اتصال ذ میشود و از بعد حرف ب نیز ده حرف می شماریم یازدهم آن حرف م است پس مستحضره ب از این اتصال م است و برای تدارک و تلافی طرح بروجی بر عدد چهار حرف مستحضره اضافه میکنیم و تلافی طرح فوت شده را مینمائیم و مستحصله میگیریم و اما در مثل دو حرف ز و ع عدد اتصال حرف ماقبل ن که و است در دائره اتصال کلی یکصد و شصت و هشت است و عدد حرف ع در دائره ابجد وضعی شانزده است مجموعاً یکصد و هشتاد و چهار میشود پس از آنکه بحسب قاعده بطرح درجی بردیم چهار عدد باقی می ماند چون به مقتضای قاعده عدد ابجد وضعی ن هفت و عدد وضعی ع شانزده جمعاً هر سه با هم بیست و هفت حاصل میشود و قابل طرح منازلی که قاعده این اتصال است نیست لذا آنرا بطرح بروجی میبریم بعد از طرح سه باقی می ماند از بعد حرف ن در دائره ابجد سه حرف می شماریم حرف چهارم که ک است از این اتصال برای ز مینویسیم و از بعد ع نیز در همان دائره سه عدد می شماریم حرف چهارم که ر است برای ع مینویسیم و در هنگام مستحصله گرفتن طرح فوت شده به شرحی که گفته شد تلافی میکنیم .

اتصال عنصری طبیعی و احکام آن

پس از آنکه دو حرف از اتصال کلی بقاعده معتبره مضبوطه برای دو حرف از سطر نظیره گرفتیم باید دو حرف هم از جدول و دائره اتصال طبیعی عنصری برای هر دو بگیریم لذا میگوییم بدانکه عمل این اتصال از دائره اھطمفشد است و این اتصال عبارت است از دانستن طبیعت دو حرفیکه با هم متصل شوند که اول عامل باید طبیعت این دو حرف را بداند و بعد به احکامی که دارد آشنا شود تا در وقت عمل سرگردان نشود پیش از این در مقدمه گفته شد اتصالاتی که در حروف حاصل میشود از شانزده صورت بیرون نیست :

۱- آتشی با آتشی	۲- بادی با بادی	۳- آبی با آبی	۴- خاکی با خاکی
۵- آتشی با بادی	۶- بادی با آتشی	۷- آبی با خاکی	۸- خاکی با آبی
۹- آتشی با خاکی	۱۰- خاکی با آتشی	۱۱- بادی با آبی	۱۲- آبی با بادی
۱۳- آبی با آتشی	۱۴- آتشی با آبی	۱۵- بادی با خاکی	۱۶- خاکی با بادی

احکام این شانزده صورت بر چهار قسم است باعتبار تماثل و توافق و تخالف و ضد و نقیض بودن و ما در اینجا حکم این چهار را در چهار قسمت بیان میکنیم

قسمت اولی:

آنهایی هستند که با هم ممائل و موافقند در طبع و آنها عبارتند از چهار صورت اول آتشی با آتشی و بادی با آبی و خاکی با خاکی

قسمت دوم:

آنهایی هستند که طالب و مطلوب یکدیگرند و آنها عبارتند از آتشی با بادی و بادی با آتشی و آبی با خاکی و خاکی با آبی

قسمت سوم:

آنهایی هستند که مخالفند با یکدیگر و آنها عبارتند از آتشی با خاکی و خاکی با آتشی و بادی با آبی و آبی با بادی

قسمت چهارم:

آنهایی هستند که ضد و نقیضند با یکدیگر و آنها عبارتند از آبی با آتشی و آتشی با آبی و بادی با خاکی و خاکی با بادی و احکام هریک از این چهار قسمت از اینقرار است

و اما قسمت اولی و ثانیه

پس هر گاه دو حرفیکه با هم متصل میشوند از حروف این دو قسمتند یعنی در طبع با هم موافقند عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم هرگاه جمع هر دو عدد قابل طرح افلاکی یعنی نه نه هستند نه نه طرح میکنیم بنحویکه بعد از این بمثال خواهی دانست و از دائره ابجد حرف میگیریم و حرف مطلوب این اتصال را بدست میآوریم و اگر قابل طرح افلاکی که قاعده کلیه این اتصال است نشد عدد مراتب همه حروف هم طبع آن را بر او میافزائیم و بطرح افلاکی میبریم و نتیجی میگیریم در اینجا برای اینکه خوب مطلب را دریایی چهار مثال برایت میآورم باقی را خودت بر آنها قیاس کن و غنیمت بشمار و خدای متعال را سپاسگذار باش

مثال اول

در آنجائیکه دو حرف موافق در طبع با هم متصل شوند و جمع عدد مرتبه هر دو قابل طرح افلاکی باشد مانند ف و ش هرگاه متصل شوند بدان که هر دو آتشی و موافق اند عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه ف در مرتبه پنجم آتشی است و

ش در مرتبه ششم آن پنج و شش را با هم جمع میکنیم یازده میشود نه از آن را که یکطرف افلاکی و قاعده کلیه این اتصال است طرح کرده باقی دو میماند بعد از حرف ف در دایره ابجد دو حرف می‌شماریم حرف سوم که ر میباشد مطلوب ف است در این اتصال مینویسیم و بعد از حرف ش نیز در همان دایره دو حرف می‌شماریم و حرف سوم که خ باشد مطلوب ش است مینویسیم و میفهمیم که حرف ر مطلوب حرف ف و حرف خ مطلوب حرف ش است

مثال دوم :

در آنجائیکه دو حرف موافق در طبع با هم متصل شوند و جمع عدد مرتبه هر دو قابل طرح افلاکی که قاعده کلیه این اتصال است نباشد مثل ج و ح که هر دو آبی و موافق و عدد مرتبه هر دو با هم دو میشود و قابل طرح افلاکی نیست در چنین جایی حکم و قاعده آن این است که عدد مراتب حروف هم طبع ج را که حروف آبی است و آن بیست و هفت است بر عدد دو میافزاییم که جمعاً بیست و نه میشود پس از سه طرح افلاکی دو باقی میماند از بعد ج در دایره ابجد دو حرف می‌شماریم و حرف سوم که و است مطلوب ج است آنرا مینویسیم چون هر دو حرف ج میباشد و مماثل مطلوب هر دو و میشود باقی حروف توافق را بهمین نحو قیاس کن .

مثال سوم:

در آنجائیکه دو حرف طالب و مطلوب با همدیگر متصل شوند مثل ض که حرف بادی و م که حرف آتشی است و این هر دو طالب و مطلوب یکدیگرند خواستیم حرف مطلوب اتصال عنصری او را بدست بیاوریم عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه مرتبه عدد ض هفت و عدد مرتبه م چهار است جمعاً هفت میشود بطرح افلاکی می‌بریم دو باقی می‌ماند بعد از حرف ض در دایره ابجد دو حرف می‌شماریم بحرف ع میرسد میفهمیم مطلوب حرف ض در دایره ابجد ا و مطلوب حرف م ع است

مثال چهارم:

در آنجائیکه دو حرف طالب و مطلوب با همدیگر متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی نرود حکم این است که بطرح دیگری ببریم و بعد در گرفتن مستحصله تدارک نمائیم مثلاً اگر دو حرف طالب و مطلوب م و ی باشند که م آتشی و عدد مرتبه آن چهار و ی بادی و عدد مرتبه آن سه است جمعاً هفت میشود در دایره ابجد بعد از حرف م هفت حرف می‌شماریم و حرف هشتم را که ش است مینویسیم و بعد از حرف ی در همان دایره نیز هفت حرف می‌شماریم به حرف هشتم آن که صاد است می‌سیم میفهمیم که مطلوب حرف م در آن دایره ش و مطلوب حرف ی ص است.

تبصره: در جمع عدد مرتبه ای اتصال عنصری موافق و مخالف قاعده این است که اگر عدد مرتبه دو حرف قابل طرح نشد باید بطرح دیگر غیر افلاکی برد از طرح کواکبی یا عنصری و عمل کرد و اگر به هیچ طرحی نرفت عدد ماقبل یا ما بعد آنرا علاوه میکنیم و بطرح می‌بریم و در مستحصله تلافی میکنیم .

اما قسمت سوم و چهارم:

چون احکام موافق و طالب و مطلوب را دانستی احکام مخالف و ضد و نقیض را هم بدان تا هنگام عمل معطل و سرگردان نمانی پس بدانکه احکام قسمت سوم و چهارم از اقسام چهار گانه اتصالات عنصری که عبارت از مخالف و ضد و نقیض باشد این است که اگر دو حرفی که با هم متصل شدند از قسمت مخالف یا ضد و نقیض باشند اگر عدد توالی مرتبه هر دو بطرح افلاکی که نه باشد رسید به همان همل کنند و اگر بطرح نه نرسید نظر کند بعدد مرتبه عدم توالی هر دو اگر به نه رسید نعم المطلوب و اگر آن هم به نه نرسید عدد توالی و عدم توالی هر دو را اگر بتواند با هم جمع کند و بطرح ببرد و الا بسایر طروح یا بهمان عدد که حاصل شده حرف باید گرفت و بعد در وقت مستحصله گرفتن تلافی طرح فوت شده را باید نمود در اینجا نیز برای توضیح چند مثال ذکر میکنم تا طالبین بیشتر از آن بهره مند شوند .

مثال اول:

در آنجائیکه دو حرف مخالف با هم متصل شوند و عدد هر مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند ق و ف که عدد توالی قاف پنج و عدد توالی فاء نیز پنج است جمعاً ده میشود بطرح افلاکی می‌بریم یک باقی میماند از بعد حرف ق یک حرف در دایره ابجد

میشماریم بحرف ش میرسد و از بعد حرف ف در همان دایره یکحرف می‌شماریم بحرف ق میرسد میفهمیم که مطلوب حرف ق در این اتصال ش و مطلوب حرف ف ق است

مثال دوم:

در آنجائیکه دو حرف مخالف با هم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی نرسد مانند د و ش در اینجا دال یک عدد دارد و ش شش خلاف مرتبه عنصر دال پنج میشود و جمع عدد مرتبه هر دو هفت مجموع هفت با پنج دوازده میشود بطرح افلاکی می‌بریم سه باقی میماند بعد از حرف د دایره ابجد سه حرف می‌شماریم بحرف ح میرسد و بعد از ش نیز در همان دایره سه حرف می‌شماریم به ذ میرسد میفهمیم که در این اتصال ح مطلوب د و ذ مطلوب ش است

مثال سوم:

در آنجائیکه دو حرف ضد و نقیض با هم متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی برسد مانند ث و ط که عدد مرتبه ث شش و عدد مرتبه ط سه است با اینکه عدد هر دو یک طرح افلاکی است روی آن عمل نمیکنیم. بلکه در اتصال ضد و نقیض عدد ضد هر دو را باید گرفت چون حرف ث آبی و حرف ط ناری و هردو در ضدونقیض قاعده اینست که عدد ضد هر دو را بگیرند و به آن عمل کنند لذا در اینجا طبق قاعده عدد ضد هر دو را میگیریم و عمل می‌کنیم پس بدان که عدد ضد هر دو یازده میشود باین شرح که ث در مرتبه ششم عنصر آبی است و ط در مرتبه سوم آتشی و پنج که بین این دو است یازده میشود بطرح افلاکی می‌بریم دو باقی میماند پس در دایره ابجد بعد از حرف ث دو حرف می‌شماریم بحرف ض میرسد میفهمیم مطلوب حرف ث از این اتصال ض است و همچنین نیز بعد از حرف ط در آن دایره دو حرف می‌شماریم به حرف لام میرسد میفهمیم مطلوب حرف ط در آن ل است

قاعده مهمه

در اتصال مخالف عنصری اگر به توالی بردیم و طرح کردیم برحسب قاعده و ناطق نشد برمیگردیم و حروف عنصر را از عدم توالی میگیریم اگر باز ناطق نشد از عدد توالی و عدم توالی هر دو جمع می‌کنیم اگر بطرح رسید طرح می‌کنیم و اگر بطرح نرسید از همان عدد حرف میگیریم و بعد وقت مستحاصله گرفتن تلافی می‌کنیم تا ناطق شود در هر حال ملاحظه نطق را باید کرد

تبصره

بدانکه حروف آتشی و بادی و آبی و خاکی هر یک هفت حرفند و هر عنصری که هفت حرف است بیست و هشت عدد دارد پس اگر در گرفتن مطلوب حرف از اتصال عنصری حروف قابل طرح نشد عدد مرتبه قابل را بر آن میافزاییم تا قابل شود چنانچه اگر حرف در مرتبه اول واقع باشد و قابل طرح نباشد عدد مرتبه شش حرف دیگر را بر آن میافزاییم تا قابل طرح شود مثلاً هر گاه دو حرفیکه با هم متصل شدند ج باشند دو عدد دارند و قابل طرح نیستند لذا عدد مراتب همه حروف آبی را بر آن دو میفزاییم و بطرح می‌بریم چنانچه ذکر شد.

در بیان اتصال مرتبه ای و احکام متعلقه به آن

بدانکه این اتصال را مرتبه ای گویند برای اینکه از روی مرتبه به آن عمل میشود و برای هر حرفی دو حرف از آن را باید گرفت و آن بر دو قسم است قسم اول از جهت مراتب چهارگانه آحاد و عشرات و مآت و الف که از آن یک حرف برای هر حرفی گرفته میشود و این قسمت طرح ندارد و قسم دوم از جهت مراتب عددی حرف که بلا مرتبه حساب شود چنانچه بعد از این خواهی دانست و این قسمت طرح بروی دارد و این اتصال باعتبار مراتبی که دارد بر شانزده نوع تصویر میشود از ضرب چهار در چهار :

۱- اتصال آحاد با آحاد ۲- اتصال آحاد با عشرات ۳- اتصال آحاد با مآت ۴- اتصال آحاد با الف ۵- اتصال عشرات با آحاد ۶- اتصال عشرات با عشرات ۷- اتصال عشرات با مآت ۸- اتصال عشرات با الف ۹- اتصال مآت با آحاد ۱۰- اتصال مآت با عشرات ۱۱- اتصال مآت با مآت ۱۲- اتصال مآت با الف ۱۳- اتصال الف با آحاد ۱۴- اتصال الف با عشرات ۱۵- اتصال الف با مآت ۱۶- اتصال الف با الف و احکام این شانزده نوع بر سه قسم است برحسب اختلافی که در حکم دارند و احکام آنها در ضمن سه قسمت بیان میشود :

قسمت اول

در حکم اتصال آحاد با آحاد و آحاد با عشرات و عشرات با مآت و عشرات با عشرات و مآت با عشرات و مآت با مآت و مآت با الف و الف با مآت و الف با الف این ده صورت فقط در وقت عمل مرتبه جملی آنها گرفته میشود و بطرح بروجی میرود و اگر طرح قابل طرح نباشد حرف ماقبل آنها را بر آنها میافزاییم و بطرح میبریم و اگر پس از اضافه عدد حرف ماقبل یا ما بعد باز بطرح نرود آنها بطرح دیگری از طروح که مقتضی باشد میبریم و حرف میگیریم و در وقت مستحصله گرفتن تدارک طرح فوت شده را میکنیم بشرحی که بعد از این گفته میشود و اگر هر دو حرف ماقبل نداشته باشد از همان عدد مرتبه خودشان حرف مطلوب آنها را میگیریم و هنگام مستحصله گرفتن تلافی میکنیم و بعد از این به مثالهایی که بیان میکنم کاملاً واضح میشود

قسمت دوم

در حکم آحاد با مآت و عشرات با الف و مآت با آحاد و الف با عشرات و علت اختلاف حکم این قسمت با قسمت قبل از جهت یکمرتبه دور بودن دو حرف است از همدیگر و حکم هر یک از این چهار صورت این است که هر یک از دو حرفی که از این چهار صورت باشد عدد مراتب جملی آنها را نیز باید گرفت و عدد عدد مراتب جملی آنها را نیز باید گرفت و عدد ما به التفاوت مراتبی آنها را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جملی ایشان افزود و حرف مطلوب را گرفت چنانچه بمثال بعد از این خواهی دانست .

قسمت سوم

حکم آحاد و الف و الف و آحاد است بعلمت دو مرتبه از همدیگر دور بودن پس هرگاه این دو نوع حرف با هم متصل شدند حکم این است که عدد مراتب جملی آنها را بگیرند و عدد تکسیری مراتب جملی آنها را نیز بگیرند و با عدد ما به التفاوت مراتب آنها را با همجمع کنند و بعد از طرح بروجی این اتصال از دایره ابجد بشرحیکه در اتصال قبل گفته حرف مطلوب هر یک را بگیرند و در هنگام مستحصله گرفتن نیز همین عدد ما به التفاوت بین آنها را نیز بر عدد حاصل طرح عدد مطلوب آنها بیفزایند و پس از آن مستحصله بگیرند چنانچه به مثال بعد روشن خواهی شد . و فرق میان حکم این دو صورت با چهار صورت قبل این است که چون این دو صورت هر کدام دو مرتبه از هم دورند لهذا دو مرتبه عدد مابه التفاوت بین آنها را بر عدد حاصل طرح ایشان میافزاییم یکی هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال عدد مراتب جملی و یکی در هنگام گرفتن گرفتن مستحصله از خلاصه عدد حروف مطلوب و اما آن چهار صورت چون یکمرتبه از هم دورند یکمرتبه عدد مابه التفاوت ایشان را بر عدد حاصل طرحشان میافزاییم و آن در هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال مراتب جملی است .

توضیح مقال در شرح این اتصال

خلاصه کلام در این مقام بطور واضح آنکه این اتصال دو صورت دارد که بعد از گرفتن حرف مطلوب از اتصال عنصری چنانچه گذشت از این اتصال برای هریک از دو حرفیکه بیکدیگر متصل شوند دو حرف برای مستحضره میباید گرفت که یکی از این دو حرف از اتصال مرتبه جملی گرفته میشود و در این اتصال مرتبه جملی طرحی نیست فقط همین قسم از اتصال است که طرح ندارد و قاعده حرف گرفتن از این اتصال این است که دو حرفی که با هم متصل میشوند با ید ببینیم مرتبه جملی هر یک از این دو حرف حرف بشماریم و حرف بعد از آنها مطلوب آنحرف بدانیم برای تقریب بذهن مثالی چند ایراد میکنم بقیه را بدانها قیاس کن

مثال اول

حکم اتصال آحاد با آحاد : مثلاً هرگاه دیدیم که ج با ج با هم متصل شدند چون هر دو آحادند هر کدام را یک حساب میکنیم جمعاً دو میشوند در دایره ابجد بعد از ج دو حرف میشماریم حرف سوم مطلوب ج است و آن و است و چون هر دو حرف مماثلند برای هر دو و را میگیریم .

مثال دوم

حکم اتصال آحاد با عشرات : هرگاه دیدیم دو حرف که با هم متصل شده یکی آحاد و دیگری عشرات است مانند ه که آحاد است و م که عشرات است ه را یک و م را دو حساب میکنیم جمعاً سه میشود در دایره ابجد بعد از ه سه حرف میشماریم

وچهارم آن که ط است برای ه مینویسیم و بعد از حرف م هم در در همان دایره سه حرف می‌شماریم و چهارم آنرا برای م مینویسیم و همین حکم را دارد هشت صورت دیگر که عبارت باشد از اتصال عشرات با آحاد و عشرات با مآت و عشرات با عشرات و مآت با عشرات و مآت با الف و الف با مآت و الف با الف و مآت با مآت .

مثال سوّم

حکم اتصال آحاد با مآت : هر گاه دیدیم دو حرفیکه با هم متصل شده یکی آحاد است و یکی مآت مثلاً مانند د و ت دال را یکی حساب میکنیم و ت را سه جمعاً چهار میشود ما به التفاوت میان این دو یکمرتبه است لذا یک را بر حاصل جمع می‌فزاییم پنج میشود در دایره ابجد بعد از حرف د پنج حرف می‌شماریم و حرف ششم که ی است مینویسیم و بعد از حرف ت در همان دایره ابجد پنج حرف می‌شماریم و حرف ششم که غ است مینویسیم و می‌فهمیم که مطلوب د و ت در این اتصال ی و غ است

مثال چهارم

حکم اتصال عشرات با الف مانند ک و غ مثلاً هر گاه با هم متصل شوند ک را دو و غ را چهار حساب میکنیم جمعاً شش میشود چون ما به التفاوت بین این دو یکمرتبه است یک را بر شش اضافه می‌کنیم هفت میشود در دایره ابجد بعد از حرف ک هفت حرف می‌شماریم و حرف هشتم را که ق است مینویسیم و بعد از حرف غین نیز هفت حرف می‌شماریم و حرف هشتم که ح است مینویسیم پس مطلوب ک و غ در این اتصال ق و ح است و همین حکم را دارد مآت با آحاد و الف با عشرات

مثال پنجم

حکم اتصال آحاد و الف مانند و و غ هرگاه با هم متصل شوند مرتبه و یک و غ چهار جمعاً میشود ما به التفاوت بین آنها دو است بر چهار می‌افزاییم شش میشود در دایره ابجد بعد از حرف و شش حرف می‌شماریم و حرف هفتم که م است مینویسیم و بعد از غ نیز شش حرف می‌شماریم و حرف هفتم که ز است مینویسیم و اتصال الف با آحاد نیز همین حکم را دارد و فرق میان این مثال و مثال سابق و نحو اینست که در این مثال و مثل آن که الف و آحاد است مابه‌التفاوتی که دو مرتبه میان آنها است دو بار باید اضافه شود یکبار در این اتصال و یکبار در وقت مستحصله گرفتن بخلاف چهار صورت قبل چنانچه قبلاً هم ذکر کردم .

و اما صورت دوّم از اتصال مرتبه ای

و آن اتصال مرتبه عددی جملی است که حرف چهارم را برای مستحضره از این اتصال باید گرفت و آنها بر حسب اختلافی که دارند چنانچه از پیش ذکر شد بر سه قسمند و هر قسمی را حکمی جداگانه است ده صورت آن حکمی دارد و چهار صورت آن حکمی و دو صورت آن حکمی برای هریک از این سه قسم مثالهایی ذکر میکنم تا مطلب بخوبی واضح شود و در این صورت از این اتصال طرح بروجی باید بشود که قاعده کلیه آن است و اگر بطرح بروجی نرفت حرف ما قبل آنرا بر آن می‌افزاییم و بطرح می‌بریم و اگر باز قابل طرح نشد بطرح دیگری که مقتضی باشد از قبیل طرح کواکبی یا طرح عنصری می‌بریم و در وقت مستحصله گرفتن طرح فوت شده را تلافی میکنیم چنانچه بعد از این شرح داده میشود اکنون برای مزید اطلاع خاطر نشان مینمایم:

مثال اوّل

حکم اتصال آحاد با آحاد در اتصال مرتبه عددی جملی : هرگاه آحاد با آحاد متصل شود و عدد مرتبه جملی آن قابل طرح باشد مانند اتصال و و ط می‌گوئیم عدد مرتبه ای و شش و عدد مرتبه ای ط نه است جمعاً پانزده میشود پس از طرح دوازده که یک طرح بروجی است سه باقی می‌ماند در دایره ابجد بعد از حرف و سه حرف می‌شماریم حرف چهارم که ی است مطلوب حرف و میشود مینویسیم و بعد از حرف ط نیز سه حرف در همان دایره می‌شماریم حرف چهارم م است و آن مطلوب ط نیز مینویسیم در اینجا چون بقاعده عمل شده هنگام مستحصله گرفتن تلافی ندارد

مثال دوم

حکم اتصال آحاد با عشرات در اینصورت اتصال هر گاه آحاد با عشرات متصل شود مانند ح و ص عدد مرتبه ای ح هشت و عدد مرتبه ای ص نه میشود جمعاً هفده میباشد پس از طرح دوازده پنج باقیماند در دایره ابجد بعد از حرف ح پنج حرف می‌شماریم

حرف ششم که ن است میگیریم و بعد از حرف ص در آن دایره نیز پنج حرف می‌شماریم حرف هشتم خ را میگیریم پس
مطلوب ح و ص ن و خ میشود

مثال سوم

حکم اتصال آحاد با آحاد : در جائیکه بطرح بروجی نرود مانند ج و د که عدد سه و عدد دال چهار است جمعاً هفت میشود و
آن قابل طرح بروجی نیست عدد ما قبل هر دو حرف را بر هفت اضافه می‌کنیم تا قابل طرح شود مثلاً مقابل ج الف و ب است
و مقابل د الف و ب است و جیم است عدد ما قبل ج سه و عدد ما قبل دال شش آنها را بر هفت اضافه می‌کنیم شانزده میشود پس از
یک‌طرح بروجی چهار میماند بعد از حرف ج از دایره ابجد چهار حرف می‌شماریم و حرف پنجم که ح باشد مطلوب ج است آنرا
میگیریم و بعد از حرف دال نیز چهار حرف می‌شماریم و حرف پنجم که ط و مطلوب د است میگیریم .

مثال چهارم

حکم اتصال آحاد با آحاد : در جائیکه بطرح بروجی نرود و عدد ما قبل آن نیز هر گاه اضافه شود باز هم وفا بطرح دیگر نکند
مانند ب و ب مثلاً که هر دو در مرتبه آحادند آنها را دو حساب می‌کنیم و با دو عدد که ما قبل آنها است چهار میشود چون
چهار یک‌طرح عنصری است در دایره ابجد بعد از حرف ب چهار حرف می‌شماریم و حرف پنجم که ز باشد میگیریم و چون دو
حرف بمائلند مطلوب هر دو ز ز میباشد و اگر دو حرفی باشد که ما قبل آن از چهار هم کمتر باشد مانند الف و الف که ما قبل
آنها دو عدد است و به هیچ طرحی نمی‌رود برای هر یک دو حرف از دایره ابجد می‌شماریم و حرف از دایره ابجد می‌شماریم و حرف
سوم که د است برای هر دو مطلوب میگیریم و در وقت مستحصله گرفتن تلافی می‌کنیم .

مثال ششم

حکم اتصال مآت با آحاد : مانند ت و ط تاء در مرتبه مآت سه حساب میشود و طاء در مرتبه آحاد یک جمعاً چهار میشود چون
بطرح بروجی نمی‌رود عدد مرتبه ما قبل ت که سه است با عدد حروف ما قبل ط که هشت است و جمعاً یازده میشود بر عدد
چهار میافزاییم جمعاً پانزده میشود بعد از طرح دوازده سه باقی می‌ماند در دایره ابجد بعد از حرف ت سه حرف می‌شماریم
حرف چهارم که م است مطلوب ط خواهد بود در اینجا مابه التفاوت آحاد و مآت باید اضافه شود مطلوب ط و ن میشود اشتباه
شد .

مثال هفتم

حکم اتصال عشرات با الف مانند اتصال ع با غ را در مرتبه عشرات است هفت حساب کن و غین در مرتبه الف یک حساب کن
جمعاً هشت میشود چون قابل طرح بروجی نیست عدد بلامرتبه حروف ما قبل غین که بیست و یک است بر هشت اضافه کن
بیست و نه میشود بعد از دو طرح بروجی پنجباقی می‌ماند از بعد عین در دایره ابجد پنج حرف بشمار عدد مراتبی عین که دو
است و عدد مراتبی غین که چهار است و جمعاً شش میشود بر عدد پنج باقیمانده میافزاییم یازده میشود در دایره ابجد بعد از
حرف عین یازده حرف می‌شماریم حرف دوازدهم که غ است مطلوب ع خواهد بود و بعد از حرف غ نیز یازده حرف می‌شماریم
حرف دوازدهم ل است و آن مطلوب غ خواهد بود .

مثال هشتم

حکم الف با عشرات: مانند ی و غ و ی غین در مرتبه چهارم و ی در مرتبه دوم است جمعاً شش میشود قابل طرح بروجی
نیست غین در مرتبه عددی یک و یا هم دو مابه التفاوت دو میشود بر شش میافزاییم جمعاً هشت میشود بطرح کواکبی میبیم
یک باقی می‌ماند از بعد حرف غ در دایره ابجد یک‌حرف می‌شماریم حرف دوم که ب است مطلوب غ است و از بعد حرف یا نیز
در آن دایره یک‌حرف می‌شماریم حرف دوم که ل است مطلوب ی است باقی اقسام صورت دوم این اتصال را از مثالهایی که ذکر
شد یعنی در آنها قیاس کن.

بیانی دیگر و سوالی دیگر:

اسم و صی ب ل ف ص ل م ح م د ا ب ن ع ب د ا ل ل ه ج ی س ت ب ن ج س ا ع ت ی ش ب ج م ه د ر ر ش ت	مدخل رقم ۳۱۲۰
۴۰۳۲۳۰۰۱۰۴۰۰۷۰۱۶۰۳۵۰۲۴۰۰۶۰۱۰۳۵۳۰۳۰۱۴۲۷۰۵۰۲۱۴۴۰۸۴۰۳۰۹۰۸۰۱۳۰۲۱۰۹۰۶۴۰۶۰۱	۴۰۰۳۰۰۲۰۰۲۰۰۴۵
اسم و صی ب ل ف ح د ن ع ه ج ت ش ر	مدخل رقم حروف خالص ۱۰۱۲ / ۱۰۱۲ ۱۰۰ ۲۰ / ۱۰۰۰ ۱۱۱۰۰۰
۴۰۳۰۲۰۲۰۴۵۷۳۴۲۳۰۱۴۰۷۱۶۳۵۲۴۰۶۱۳۵۳۳۱۴۲۷۵۲۱۴۴۸۴۳۹۸۱۳۲۱۹۶۴۶۱	مدخل صغیر ۶۵۲ وسیط ۳۴۹۰
۴۰۰۳۰۰۲۰۰۲۰۰۴۵۴۰۳۲۳۰۰۱۰۴۰۰۷۰۱۶۰۳۵۰۲۴۰۰۶۰۱۰۳۵۳۰۳۰۱۴۲۷۰۵۰۲۱۴۴۰۸۴۰۳۰۹۰۸۰۱۳۰۲۱۰۹۰۶۴۰۶۰۱	
مداخلات	مدخل رقم ۳۱۲۰ ۱۱۱ ۱۰۲ ب ی غ
مدخل صغیر ۶۵۲ ب ن خ	مدخل وسیط ۳۴۹۰ ۱۱۱۴۹۰ ص ت غ
مدخل کبیر ۴۱۴۲ ۱۱۱۰۰۰۱۴۲	

جدول سوال:

اساس	ب	ی	غ	ب	ن	ج	ص	ت	غ	ب	م	ق	غ	ا	س	م	و	ص	ی	ب	ل	ف	ح	د	ن	ع	ه	ج	ت	ش	ر	ش
نظيره ابجد	ع	خ	ن	ع	غ	ی	د	ح	ن	ع	ظ	ه	ظ	ا	س	ر	ظ	د	خ	ع	ض	ج	ت	ص	غ	ب	ق	ف	ح	ز	و	ز
نظيره ايقع	ر	ب	ا	ر	س	ت	ض	ل	ا	ر	ه	ظ	ا	غ	ن	ه	ع	ض	ب	ر	د	ذ	ص	ت	س	خ	و	ش	ل	ک	ق	ک
نظيره اهطم	ص	ر	ج	ص	م	ش	غ	ی	ج	ص	ز	ذ	ج	ض	ع	ز	ن	غ	د	ص	ب	ظ	ر	خ	م	ت	ح	ث	ی	ط	ف	ط
مستحضره	ص	م	ج	ج	ن	ب	م	ی	ر	ش	ص	ض	غ	ظ	ت	ط	ج	غ	ز	ع	د	ر	ح	ف	ی	ی	ذ	ز	ص	خ	ث	ط
مستحصله	ح	س	ا	ا	س	ظ	ع	ر	ص	د	ی	خ	ث	ع	خ	ض	ع	س	س	ج	غ	د	ع	ض	س	ظ	خ	ت	ض	ظ	ب	ص
نظيره ابجد۲	ت	ا	س	س	ا	م	ب	و	ل	ص	ا	ی	ط	ب	ی	ل	ب	ا	ا	ق	ن	ص	ب	ل	ا	م	ی	ح	ل	م	ع	د
صدروموخر	د	ت	ع	ا	م	س	ل	س	ح	ا	ی	م	م	ب	ا	و	ل	ل	ب	ص	ا	ن	ی	ف	ط	ا	ب	ا	ی	ب	ل	
صدروموخر	ل	د	ب	ت	ی	ع	ا	ا	ب	م	ا	س	ط	ل	ف	س	ی	ح	ن	ا	ا	ی	ص	م	س	م	ب	ب	ل	ا	ل	و
صدرو موخر	و	ل	ل	ل	د	ا	ب	ت	ب	ی	ب	ع	م	ا	ص	ا	م	ب	ص	م	ی	ا	ا	س	ا	ط	ن	ل	ح	ف	ی	س
صدرو موخر	س	و	ی	ل	ل	ف	ل	ح	د	ا	ن	ب	ط	ل	ا	د	س	ب	ا	ی	ب	ی	ع	م	م	ص	ا	ب	ص	م	ا	
صدر و موخر	ا	ی	م	و	ص	ی	ب	ل	ا	ف	ص	ل	م	ح	م	ت	ع	ل	ی	ا	ب	ن	ا	ب	ی	ط	ا	ل	ب	ا	س	ت
اسم وصی بلا فصل محمد علی این ابی طالب است .																																

اسم وصی بلا فصل محمد علی ابن ابی طالب است .

ک	ل	ک	ی	۸۰	ز	ش	ر	ق	۸۰۰
---	---	---	---	----	---	---	---	---	-----

شرح چگونگی استخراج جواب از سوال:

بدانکه مستحصله از جمله علومات مکنونه است و این اتصال اتصالات کلیه جامعه هر حرفی را جداگانه حکمی است که بدان استخراج مستحصله از جفر جامع نمایند و هر حرفی را جهت سهولت حصول روشی دیگر است که نوع دوم از اتصالات و آن عنصری است . اتصال طبیعی نیز گویند مثل آتش و باد و خاک و آب که آتش با آتش و باد با باد و آب با آب و خاک با خاک اتصال حرف عنصری چهار است که مجموعاً ۱۶ نوع می باشد سوم اتصال مراتبی است و آن اتصال یکان به یکان و صدگان به صدگان و هزارگان به هزارگان و هر یک نکته پس از گرفتن مداخل اربعه رقم حروف از ترکیب سؤال اول اساس بعد نظیره ابجد و بعد نظیره ايقع و بعد نظیره اهطم و پس از ترکیب نوشتن چهار

حرف در یک خانه و بعد از اتصال و تقسیم گرفتن مطلوب که مستحضره است و بعد از مستحضره گرفتن مستحاصله از مطلوب مستحضره و بعد نظیره ابجدی بعد تکسیر صدر و موخر کنید تا جایی که ناطق شود. هر چهار حرف را جزء و صفحه و سطر و خانه قرار داده و در سؤال فوق چهار حرف زمام مستحضره ص / جزء - م / صفحه ج / سطر - ج / خانه بعد از قرار دادن جزء و صفحه و سطر و خانه دو حرف اول یعنی جزء و صفحه را از اتصال جامع و اتصال عنصری و اتصال مراتبی جملی و عدد مراتبی جملی هشت حرف مستحضره استخراج کرده مثال ص / م از اتصال جامع عددی گرفتیم ۴۸۹ عدد داشت بر طرح درجه بردیم ۹ باقی ماند چون قاعده این است بعد از طرح درجه حاصل را باید به طرح منازل برد که در اینجا نیز ۹ باقیمانده و به طرح منازل نمی رود عدد جزء و صفحه ص / م را اضافه کردیم یعنی ۱۳ حرف میم از ابجد وضعی بر ۹ افزودیم ۲۲ شد صاد که در مقام مرتبه ۱۸ واقع بود بر ۲۲ افزودیم ۴۰ شد و ۴۰ را طرح منازل کردیم ۱۲ ماند از جزء ۱۸، ۱۲ جزء شمارش کردیم به جزء ۲ رسیدیم حافظ جزء ۲ که مطلوب جزء ۲ که جیم بود رسیدیم و جیم را از اتصال جامع برای جزء ۱۸ مستحضره مستحضره قرار دادیم ص / ج شد و همچنین از صفحه ۱۳ باز ۱۲ صفحه شمارش کردیم به صفحه ۲۵ رسیدیم و ما بعد از صفحه ۲۶ یعنی ض را برای مستحضره میم نوشتیم از اتصال عنصری برای جزء یک حرف و برای صفحه یک حرف و برای سطر یک حرف باید بگیریم به این طریق صاد و میم ص از حروف بادی بود و میم از حرف آتشی با هم طالب و مطلوب بودند که به حکم طالب و مطلوب و دهگان با دهگان مستحضره می گیریم، صاد در مرتبه ۵ بود و میم در مرتبه ۴ که جمعاً ۹ شد و بر طرح افلاکی که قاعده کلی این اتصال است طرح کردیم همان ۹ ماند و آن را حاصل دانستیم از جزء ۱۸ به عدد ۹ جزء شمارش کردیم به جزء ۲۷ رسید مطلوب جزء ۲۷ و جزء ۲۸ بود آن را گرفتیم برای صاد از اتصال عنصری غین را مستحضره نوشتیم و همچنین از اتصال عنصری برای میم مستحضره می گیریم به این طریق ۹ صفحه از صفحه ۱۳ شمارش کردیم به صفحه ۲۲ رسید که ما بعد صفحه ۲۲ یعنی ۲۳ مطلوب بود حرف ث را برای مستحضره میم نوشتیم و از اتصال مراتبی جمع دهگانی صاد و میم عدد و مکرتبه هر دو ۴ بود این اتصال طرح ندارد ۴ حرف از جزء ۱۸ شمارش کردیم به ۲۲ رسیدیم حافظ جزء ۲۲ جزء ۲۳ بود که ث نوشتیم و از جزء ۱۳ به عدد ۴ صفحه شمارش کردیم که به ص رسید و از عدد مراتبی جمع دو حرف دیگر خواهیم گرفت عدد ص ۹ و عدد م ۴ با هم جمع کردیم ۱۳ شد در قاعده کلی این اتصال باید به طرح بروی برود که در اینجا ۱ ماند از جزء ص یک حرف شمارش کردیم به قاف رسید و حافظ و مطلوب جزء قاف حرف صاد بود، ر شد و از صفحه ۱۳، ۱۲ صفحه شمارش کردیم به ۱۴ رسیدیم و حافظ آن صفحه س بود و به ۴ حرف برای جزء ص مستحضره گرفتیم که بدینصورت ص = ج غ ث ر = ۱۷۰۳ و ۴ حرف برای م مستحضره گرفتیم که شد م = ض ث ص س = ۱۴۵۰ - می خواهیم برای میم مستحاصله بگیریم اول مطلوب حرف ص را جمع کردیم ۱۷۰۳ بود طرح منازل کردیم باقی طرح ۲۳ شد و دوم عدد مطلوب میم را گرفتیم ۱۴۵۰ بعد از طرح ۲۸ منزلی ۲۲ ماند از جزء م ۴ حرف مستحضره م بدین نحو است جزء ۲۶ صفحه ۲۵ سطر ۱۸ خانه ۱۵ چون اولین اتصال بود از خود حرف س که خانه مطلوب م میباشد از س ۲۲ حرف حرف شمردیم به حرف ح رسید ح مستحاصله حرف اول شد ص ح شد و میم مستحاصله میگیریم ۱۷۰۳ بعد از طرح ۲۳ ۴ حرف مستحضره ص جزء ۳ صفحه ۲۸ و سطر ۲۵ خانه ۲۰ بود از خانه ۲۰ که ۲۳ حرف شمردیم یعنی از بعد ۲۰ که ر است شمردیم به س رسید مستحاصله م بدست آمد.

ص م

ح س

پس ۸ حرف مطلوب ص و م را جمع کرده هر ۴ حرف را در یکدیگر در آوردیم تا مستحضره سازیم از خانه جفر جامع از همان جزء همان صفحه و همان سطر خانه که ۴ حرف مطلوب ما بنمود در جفر جامع خانه خانه شمردیم در مستحاصله ص را گرفتیم و همچنین حاصل مطلوب ص از خانه که ۴ حرف بود ۴ حرف مطلوب ص را در خانه شمردیم و مستحاصله میم را گرفتیم پس ملازمت از نوشتن و حروفات مطلوب میم را در خانه دیگر و حاصل طرح ایشان را که حاصل مطلوب و مستحضره مستحضره گویند گرفته یا به همان عدد از جفر جامع خانه به خانه شمرده مستحاصله حاصل کنیم برای همین ۴ مطلوب ص و ۴ مطلوب میم را در خانه نوشتیم

ن غ ث ص	۱۷۰۳
ض ث ص س	۱۴۵۰

اول مطلوب میم را برای مستحصله میگیریم به این نحو که ۱۴۵۰ بعد از طرح منازل ۲۲ ماند پس ۲۲ که خانه مطلوب میم ما را که نشان داده از جفر جامع شمردیم بعثت اینکه مطلوب میم ما را به خانه ۱۵ سطر ۱۸ صفحه ۲۳ جزء ۲۶ نشان داده بود چون نظر کردیم هجین حروفات را یعنی صفحه رسید حافظ خانه ۸ ح بود برای مستحصله ص نوشتیم و خواستیم مستحصله میم را بگیریم عدد مستحضره ص را گرفتیم که ۱۷۰۳ بود طرح منازل کردیم ۲۳ ماند از جزء ۳ و صفحه ۲۸ و سطر ۲۳ و خانه ۲۰ = ۲۳ حرف خانه به خانه شمردیم در سطر ۲۴ همان جزء و صفحه به خانه ۱۵ رسیدیم پس مستحصله م - س شد از ص گرفته شد دو حرف مستحضره دوم ج ج بود این اتصال را ثلاث بردیم واز برای هر حرفی ۴ حرف مستحضره گرفتیم ما را به خانه جفر جامع راهنمایی نماید واز حاصل هر ۴ حرف که مستحضره مستحضره نامند از همان خانه که به ما نشان داده بود شماره نمودیم و مستحصله گرفتیم به این طریق که عدد ج با جیم از عدد اتصال کلی ۵۹ عدد یعنی عدد ماقبل حرف ج ب بود اتصال جامع کل ۵۶ بود و عدد حرف ۳ ج را افزودیم ۵۹ شد حاصل طرح درجاتی بردیم ۲۹ عدد شد چون هر دو یکان بودند در مرتبه اول جملی برای همین عدد سطر و جزء هر دو را اضافه کردیم ۳۵ شد طرح منازلی بردیم ۷ ماند از سطر ج که سطر ۳ بود ۷ سطر شمردیم به سطر ۱۱ رسیدیم پس مطلوب ج ک شد همچنین از خانه ۳ که ج دوم بود ۷ حرف شمردیم ایضا" به حرف ک رسید و از عدد اتصال عنصری ج و ج هر دو آبی بودند و با هم همطبع بودند چون هر دو در مرتبه اول آبی بودند و ۲ عدد داشتند دو عدد قابل طرح نبود عدد مراتب همه حروف آبی بود جیم را که ۶ حرف بود و عدد مراتب طبع ۲۷ بود بر عدد مراتب ایشان که ۲ بود افزودیم ۲۹ شد به طرح بروجی بردیم چون عدد اضافه شد به طرح بروجی نمیرود ولی بعدا" باید تلاقی شود به طرح افلاکی بردیم ۶ عدد حاصل شد از سطر ج در سطر شمردیم به سطر ۶ رسید چون حافظ سطر ۶ حرف واو بود مطلوب ج اول حرف واو شدو ج ثانی ایضا" بحر ف واو رسید طرح بروجی کردیم از طرح بروجی نمودیم از طرح بروجی ۲۹ = ۲ عدد باقی ماند از سطر ج ۲ حرف شمردیم به واو رسید اما از مورد اتصال مراتبی است ج ج یکان با یکان سابق مذکور شد که اتصال مراتبی بر ۲ نوع است مراتب جمل عددی چون از حقیقت هر دو اتصال مراتبی است برای همین یک سطر طرح داشت و اتصال جملی چون ۱۶ عدد بود و اتصال عددی ۳۶ عدد حاصل طرح از این اتصال بر گرفتیم جمل هر دو بود از این طرح دو سطر شمردیم به حرف واو رسید مطلوب ج اول از این اتصال حرف واو شد و در خانه دیگر از خانه ج شمردیم به حرف واو رسید این شد حرف مطلوب اما دو حرف دیگر افزودیم ۱۲ عدد شد به طرح بروجی بردیم از سطر ج شمردیم پس از ۱۲ سطر به سطر ۴ رسید ایضا" از ج ثانی ۴ پس هر ۴ حرف را در یک خانه نوشتیم

ج	ک	و	ع	ع
ج	ک	و	ع	ع

عدد حاصل مطلوب هر دو ۱۶۶ به طرح منازلی بردیم بعد تلاقی نمودیم ۱۲ ماند از جزء ۱۱ صفحه ۶ سطر ۱۶ خانه ۱۴ - ۱۲ خانه شمردیم به حرف الف رسید ایضا" جیم ثانی را به حرف الف رسید بعد ۴ مستحضره دوم ن - ب - م - ی هر حرفی را ۴ حرف مستحصله در عدد اتصال است ثلاث گرفتیم باین طریق عدد اتصالات کلی ن - ب ۳۶۶ عدد بود طرح درجات کردیم ۶ ماند عدد جزء و صفحه را که ۱۶ بود اضافه کردیم ۲۲ شد قابل طرح منازلی نبود طرح بوجی کردیم ۱۰ شد از جزء ۱۴ دهم حرف نون باشد ده جزء شمارش کردیم به جزء ۲۴ رسید پس از او پس از او جزء ۲۵ بود و حافظ جزء حرف ذال بود برای مطلوب نون نوشتیم همچنین از صفحه ب ده حرف شمارش کردیم به صفحه ۱۲ که رسید صفحه بعد را گرفتیم حافظ خانه ۱۳ میم بود برای مطلوب ب نوشتیم و همچنین از اتصال عنصری مطلوب گرفتیم به این طریق که ن و ب هر دو بادی بودند حکم

موافق را اجرا می کنیم مراتب عنصری هر دو ۵ بود قابل طرح نبود عدد مرتبه ماقبل ن را افزودیم مثل حرف ماقبل را که از اتصال عنصری ذکر کردیم و حرف ب که ماقبل نداشت که ۱۱ شد طرح افلاکی کردیم ۲ شد از جزء نون دو جزء شمارش کردیم به جزء ۱۶ رسید و بعد از آن جزء ۱۷ بود حافظ جزء حرف ف بود برای مطلوب ن از اتصال عنصری نوشتیم و از صفحه ب ۲ صفحه شمردیم به صفحه ۴ رسید بعد از او صفحه ۵ بود حافظ آن صفحه ه بود برای ب مطلوب نوشتیم از اتصال عنصری همچنین از اتصال مراتبی است جمل عدد هر دو ۳ عدد بود از جزء ن ۳ جزء شمردیم به جزء ۱۷ رسید بعد او که جزء ۱۸ بود حافظش حرف صاد بود در مطلوب ن نوشتیم از اتصال مراتبی عشراتی مطلوب ن حرف ص شد و از صفحه ب ۲ سه صفحه شمردیم به صفحه ۵ رسید ما بعد او صفحه ۶ را گرفتیم حافظ صفحه حرف واو بود برای مطلوب ب از اتصال مراتبی عشراتی و او را نوشتیم بعد از این اتصال عددی مراتبی را به این طریق گرفتیم عدد مراتبی جملی هر دو ۷ بود چون قابل طرح بروجی نبود بطرح کوکی بردیم یک طرح شد باید تلاقی بشود چون به طرح بروجی نرفت از جزء نون ۷ جزء شمردیم به جزء ۲۱ رسید و مابعد او جزء ۲۲ بود حافظ حرف ت بود نوشتیم همچنین از صفحه ب ۲ هفت صفحه ۹ رسید مابعد آن صفحه ۱۰ بود حافظ آن صفحه ی بود برای مطلوب (ب) از مراتبی عددی نوشتیم چنین شد

ذ ف ص ت	ن	۱۲۷ س
م ه و ذ	ب	۶۱ ظ

اول مطلوب در اتصال را میگیریم یعنی عدد ۴ حرف مستحضره ب را که ۶۱ بود برای مستحاصله گرفتن حرف ن میگیریم بدین نحو ۶۱ بدانکه دهگان با یکان اگر عدد اتصال یکان قابل طرح نباشد به هر طرحی که کرده ایم به قاعده کلیه اگر قابل این است که به طرح دیگر ببریم و ۷ عدد حرف ما قبل با همان طبع را بر عددش میافزاییم چنانچه عدد ۶۱ را بر طرح منازلی بردیم تا مستحاصله حرف خانه ۱۵ رسید حافظ خانه س بود برای مستحاصله ن نوشتیم مثال ن ب م ی خواستیم مستحاصله حرف باء را بگیریم عدد ۴ حرف مطلوب مستحضره را گرفتیم ۱۲۷۰ بود به طرح منازلی ۱۰ باقی ماند چون به طرح بروجی نرفته بود قابل طرح نبود حالا عدد مابقی نون و ب ۵ بود و ب ۲ باهم ۷ شد با ۱۰ جمع کردیم ۱۷ شد چون ماقبل بطرح کوکی برده بودیم حالا تلاقی میکنیم برای همین از جهت اینکه قاعده کلی این بود که اتصال عدد مراتبی جملی را به طروح بروجی ببریم و نبودیم چون خواستیم که قاعده بر هم بخورد ایضا "همان عدداتصال که ۷ بود بر ۱۰ افزودیم ۱۷ شد به طرح بروجی بردیم ۵ باقی ماند چنانچه مطلوب حرف ن از جزء ۲۵ صفحه ۱۷ سطر ۱۸ خانه ۲۲ را به ما نشان داده بود از جفر جامع ۵ خانه شمردیم به خانه ۲۷ رسیدیم از جزء ۲۵ صفحه ۱۷ سطر ۱۸ و خانه ۲۷ شد حرف ظ حافظ خانه بود برای مستحاصله حرف ی نوشتیم حالا مستحضره ۲ حرف دیگر م ی را میخواهیم مستحضره بگیریم میم و یاء دهگان در دهگان بود علامت سطر و خانه بود ز و ل از اتصال جامع ۳۷۴ بود حاصل طرح در حالی این اتصال است ۴ عدد بود حاصل طرح درجاتی این اتصال ایشان ۱۴ شد و عدد مراتبی آن جملی یعنی از وضعی ۲۳ عدد بود با ۱۴ جمع نمودیم ۳۷ شد به طرح منازلی بردیم حاصل ۹ شد از سطر ۱۳ یعنی م ۹ سطر شمردیم به سطر ۲۲ رسید سطر مابعد او ۲۳ بود حافظ سطر ۲۳ حرف ث بود برای مطلوب سطر م ۱۳ نوشتیم و از خانه ۱۰ ی ۹ خانه شمردیم به خانه ۱۹ رسید خانه ما بعد او ۲۰ بود و حافظ خانه اش ر بود برای مطلوب خانه ی ر نوشتیم و از اتصال عنصری خواستیم مطلوب این دو حرف سطر و خانه را استخراج کنیم که م حرف آتشی بود و ی حرف بادی بود هر دو طالب و مطلوب بودند پس به حکم طالب و مطلوب عمل میکنیم عدد عنصری هر دو ۷ شد قابل طرح فلکی نبود باید تلاقی و تدارک بشود مستحاصله گرفتن به طرح کوکی بردیم یک طرح شد از سطر م ۱۳ به تعداد ۷ سطر شمردیم به سطر ۲۰ رسید مابعد آن سطر را گرفتیم که ۲۱ و حافظ خانه اش حرف ش بود برای مطلوب سطر ۱۳ از اتصال عنصری نوشتیم و از خانه ی ۷ خانه شمردیم به خانه ۱۷ رسید و خانه ما بعد ۱۸ و حافظ خانه اش حرف ص بود برای مطلوب حرف خانه ی از اتصال عنصری به حکم طالب و مطلوب نوشتیم و از اتصال عدد مراتبی

صفحه از جزء ۲۱ ش شموردیم به صفحه ۶ رسیدیم و از اتصال عنصری مستحضره می گیریم . د حرف خاکی بود و ش آتشی با هم طالب و مطلوب و هم طبع نبودند چون مخالف هم بودند عدد مراتب اتصال عنصری آنها را می گیریم. بران که اتصال عنصری ۱۶ نوع است یعنی هر عنصری به چهار قسمت اتصال می کند آب با آب و آتش با آتش باد با باد و خاک با خاک و همینطور هر کدام با دیگری که جمعاً ۱۶ نوع می شود . هر چهار اتصال آنها را یک نوع است یعنی چهار اتصال مخالف و چهار اتصال موافق و چهار اتصال ضد و نقیض و چهار اتصال طالب و مطلوب . این شانزده اتصال عنصری را از هر دو اتصال یک حکم است . چنانچه اتصال موافق و اتصال طالب و مطلوب یک حکم دارد اما اتصال طالب و مطلوب همان بود که عمل کردیم و هشت حرف مستحاصله از سؤال بدست آوردیم و در استخراج مستحاصله حروف زمام که گذشت حکم اتصال مخالف یا ضد و نقیض دو حرف د و ش از اتصال مخالفند پس از اتصال عنصری د یک عدد بود خلاف عدد مرتبه عنصری که هفت بود ۵ و ۷ می شود ۱۲ طرح افلاکی کردیم ۳ ماند از جزء ۴ د سه جزء شمردیم به جزء ۸ ح رسید و از صفحه ۲۱ ش سه صفحه شمردیم به صفحه ۲۵ د رسید مطلوب د و ش از این اتصال عنصری ح و ذ شد خواستیم اتصال مراتب ده گانه آن دو حرف د و ش را بگیریم از اتصال این بود د حرف یگان بود و ش حرف صدگان عدد مراتی هر دو ۴ شد قاعده این اتصال طرح ندارد چهار جزء از جزء ۴ شموردیم به جزء ۹ ط رسیدیم و ۴ صفحه از صفحه ۲۱ شمردیم به صفحه ۲۶ ض رسیدیم پس ط و ض از اتصال مرابی دهگانه د و ش بدست آمد و همچنین از اتصال عددی مراتبی جملی خواستیم مطلوب حاصل کنیم د در مرتبه ۴ بود و ش در مرتبه ۳ جمعاً ۷ شد قابل طرح بروجی نبود هر دو عدد را عدد مرتبه همین اتصال بود افزودیم ۱۶ شد طرح بروجی کردیم ۴ شد از جزء ۴ چهار جزء شمردیم به جزء ۹ رسیدیم که حرف ط بود از صفحه ۴ حرف شمردیم به حرف ز رسیدیم قاعده در اتصال یکان با صدگان این است که اضافه عدد مراتب جملی د و ش از عدد مراتب جملی دو عدد بود ایضاً اضافه عدد مراتب جمل دهگانه مابه التفاوت عددشان ۱ شد که ش اضافه داشت پس همان یک عدد بر عدد حاصل طرح ش که از صفحه شمردیم و به صفحه ظ رسید پس مطلوب آتش از این اتصال ط ظ شد پس حرف مستحضره د به اینصورت شد

ف	ح	ط	ط
---	---	---	---

و	ذ	ض	ظ
---	---	---	---

و مستحضره مستحضره ش که در حروف مطلوب د و ش مستحاصله حاصل کنیم د و ش را از جفر جامع استخراج کنیم حاصل مطلوب هر دو را که مستحضره مستحضره نامند به این طریق که عدد مطلوب د ۱۰۶ بود طرح منازلی کردیم ۲۲ شد عدد مطلوب ش ۲۴۰۶ بود طرح منازلی کردیم حاصل طرح از جزء ۶ صفحه ۲۵ سطر ۲۶ خانه ۲۷ شمردیم به جزء ۶ صفحه ۲۵ سطر ۲۷ خانه ۲۸ رسید از خانه ۲۸ ، ۲۶ خانه شمردیم به خانه ۲۶ که حافظ آن ض بود رسیدیم ض مستحاصله حرف د شد و همچنین ۲۲ خانه از جزء ۱۷ صفحه ۸ سطر ۹ خانه ۹ شمردیم به خانه ۴ سطر ۱۰ صفحه ۸ جزء ۱۷ رسیدیم که مستحاصله حرف ش د شد.

د ش
ض د

حالا ص و ض را مستحضره مستحضره می گیریم علامت سطر و صفحه را گرفتیم جمعشان ۵۰۲ شد طرح درجرات کردیم ۲۲ شد اعداد سطر و خانه که ۱۸ بود ۲۲ افزودیم ۲۶ ض را هم افزودیم ۶۶ شد طرح منازل کردیم ۱۰ شد از سطر ص ۱۰ سطر شمردیم به سطر الف رسیدیم و از خانه ض ۱۰ خانه شمردیم به خانه ظ رسید و از این اتصال عنصری ص ض هر دو بادی و موافق بودند حکم اتصال موافق عدد مرتبه عنصری این دو را گرفتیم عدد مرتبه عنصری ص ۵ و ض ۷ که جمعاً ۱۲ شد طرح افلاکی کردیم ۳ ماند از سطر ص ۳ سطر شمردیم به حرف ت رسید و

از خانه ض ۳ عدد شمردیم به خانه ب رسید از اتصال مراتبی ۵ شد از صاد ۵ سطر شمردیم به خانه د رسید و مطلوب ایشان در این اتصال خ شد و از اتصال دو مراتب جملی ص ۹ و ض ۸ جمعاً ۱۷ شد طرح بروجی کردیم ۵ ماند از سطر ض ۵ سطر شمردیم به د رسید و از خانه ض ۵ خانه شمردیم به خانه د مطلوب ایشان از این اتصال نیز خ و د شد مستحضره را در یک خانه نوشتیم بصورت زیر شد :

مستحضرات ص	آ	ت	خ	خ
مستحضرات ض	ط	ب	د	د

اکنون مستحاصله ص و ض را در جفر جامع می گیریم عد مطلوب ض را گرفتیم ۱۹ شد قابل طرح منازلی نبود پس عدد مطلوب ص را گرفتیم ۱۶۱ بود طرح منازلی کردیم ۵ ماند (چون باقیمانده هر دو عدد فرد می باشد و چون فرد در فرد است و از خانه مطلوب ص ما را نشان داده بود از خانه د ۱۹ خانه شمردیم به خانه ۱۹ که حافظ آن س است رسیدیم و ۱۹ خانه از خانه ای که مطلوب ض ، س را نشان داده بود به خانه ۲۴ خ رسید که مستحاصله ض بود نوشتیم) علت این است که عدد مطلوب ض ۱۹ عدد شد قابل طرح منازل نبود و هیچ طرح نبردیم و همچنین عدد را نگهداشتیم و عدد مطلوب ض را طرح منازل کردیم ۵ شد چون حاصل فرد بود و ۱۲ هم فرد عد د ۱۹ هم فرد به طرح نرفت پس مستحاصله هر دو را از عدد مطلوب ض گرفتیم از د ۵ حرف شمردیم . اگر عدد ۱۹ از حرف بعد از خ از ابجد بشماریم به حرف س می رسد همان عدد ۱۹ را از حرف م بشماریم به ح می رسیم ۱۹ را با عدد فرد باقی ۵ جمع کردیم ۲۴ شد طرح بروجی کردیم ۲ طرح شد ۱۲ باقی ماند از حرف خانه مطلوب مستحضره که د است ۱۲ حرف شمردیم به حرف س رسید ۲ مقسوم علیه را با ۱۹ جمع کردیم ۲۱ شد از عدد د ۲۱ حرف شمردیم به حرف خ رسید پس چون فرد بود از یک حرف شمردیم برای هر دو مستحاصله گرفتیم ۴ حرف مستحاصله برای حرف زمام مستحضره گرفتیم

د	ش	ص	ض
ض	د	س	خ

حالا برای مستحاصله ۴ حرف بعدی خانه چهارم ۴ حرفی سؤال اول اتصال غ و ظ را به مستحضره بردیم چنانچه غ از اتصال جامعه عددش ۷۸۳ به طرح درجاتی بردیم حاصل طرح ۳ شد و جزء و صفحه هر دو حرف را عدد حاصل طرح درجاتی هر دو افزودیم ۲۸ و ۲۷ و ۳ را با هم جمع کردیم ۵۸ شد به طرح منازلی بردیم حاصل طرح د و ۲ باقیماند از جزء ۲۸ - ۲ عدد شمردیم به حرف ۳ رسید حرف ج بدست آمد و همچنین ۲ صفحه از صفحه ۲۷ شمردیم از این اتصال ب بدست آمد اتصال جامع کل حرف ج ، ب بدست آمد از اتصال عنصری گرفتیم غ خاکی بود ظ آبی بود هر دو طالب و مطلوبند عدد مراتب عنصری هر دو را جمع کردیم ۱۴ شد طرح افلاکی کردیم ۵ شد پس ۵ جزء از جزء ۲۸ را شمردیم به جزء ۶ رسید که حافظ جزء و شد پس صفحه ۲۷ ، ۵ صفحه شمردیم به صفحه ۵ رسیدیم که حافظ آن ه بود از اتصال عنصری این دو حرف و ه بدست آمد و از اتصال مراتب جملی عدد هر دو ۴ عدد بود ۱۰ بدست آمد از جزء ۲۸ ، ۴ جزء شمردیم به جزء ۵ رسید که حرف ه بود از صفحه ۲۷ ، ۴ صفحه شمردیم به حرف د رسید و حروف ه د بدست آمد . غ ظ از اتصال عدد مراتب جملی ۱۰ شد به طرح بروجی بردیم که طرح نداشت پس عدد حروف ماقبل هر دو را افزودم حرف غ ماقبل نداشت و عدد حرف ماقبل ظ ۳۶ بود بر عدد مراتب جملی افزودیم ۴۶ شد طرح بروجی کردیم حاصل طرح همان ۱۰ شد از جزء ۲۸ ، ۱۰ جزء شمردیم به جزء ۱۱ که حرف ک بود رسیدیم و از صفحه ظ ۱۰ جزء شمردیم به صفحه ۱۰ رسید که حرف ی بود

بدینصورت:

ه	ج	و	ه	ک	۳۴
ظ	ب	ه	د	ی	۲۱

در اتصال این عدد به دو طریق انجام می شود . جزء غ در مرتبه دهگان ۴ بود و صفحه ظ در مرتبه ۳ بود که جمعاً می شود ۷ از غ ۷ جزء شمردیم به حرف ح رسیدیم و ۷ حرف از ط شمردیم به ز رسیدیم چنین شد :

غ	ج	و	ح	ک	۳۴
ز	ب	ه	ز	ی	۲۴

قاعده دومی از کلیه میباشد.

حالا ۴ مستحضره اول غ را جمع می کنیم ۳۴ شد به طرح منازلی بردیم ۶ ماند و عدد مستحضره ظ ۲۱ بود قابل طرح منازلی نبود طرح بروجی کردیم ۹ ماند هر حرف را یک عدد گرفته بر باقی افزودیم طرح منازلی نشد ۱۱ عدد از حرف ک و خانه ۱۱ شمردیم به جزء ۳ صفحه ۶ سطر ۵ خانه ۱۱ ، ۱۱ حرف شمردیم به خانه ث رسید ۶ از غ که ۳۴ بود باقی ماند از جزء ۹ ، ۲ صفحه و ۵ سطر چهارم خانه ی ۱۰ خانه شمردیم به حرف ۱۶ رسید مستحضره ع شد پس مستحضره غ و ظ ، ث و ع شد از جدول دوم ۳۴ بود ۶ شد و ۲۴ بود غ مستحضره ۳۴ و ظ مستحضره ۲۴ ، ۲۴ را طرح بروجی کردیم ۱۲ شد از جزء ۳ صفحه ۶ سطر ۵ خانه ۱۱ ، ۱۲ حرف شمردیم به حرف ث رسید از جزء غ که ۶ باقی ماند اول مستحضره ظ = جزء ب صفحه ه سطر د خانه ی ۶ عدد شمردیم به حرف ۱۶ حرف ع رسید مستحضره درست عمل شد این قاعده دوم بود هر دو به مراتب اصلی می رسند قاعده عدد خانه ۱۱ با باقی ۱۲ مجموعاً ۲۳ شد که حرفش ث می باشد ۱۰ ی که خانه مستحضره ظ بود بر ۶ که باقیمانده ۳۴ بود افزودیم ۱۶ شد حرف ع بدست آمد . از اتصال جامع عدد ت و ط ۵۹۷ شد طرح درجات کردیم ۲۷ ماند و این به طرح منازل نرفت عدد را افزودیم ۵۸ شد طرح منازلی کردیم ۲ ماند ۲ خانه شمردیم به سطر ۲۵ که حافظ خانه ذ بود رسید و بعد دو خانه از ط شمردیم به خانه ۱۲ یعنی ل رسیدیم پس مطلوب ت و ط از اتصال جامع ذ و ل شد و از اتصال عنصری خواستیم که مطلوب ت و ط بگیریم ت حرف بادی و ط آتشی و هر دو طالب و مطلوبند عدد مراتبی عنصری هر دو را گرفتیم ۹ شد عدد مراتب ت ۶ بود و عدد مراتب ط ۳ که جمعاً ۹ شد طرح افلاکی کردیم ۹ ماند از سطر ت ۹ سطر شمردیم به سطر ۴ حرف د رسیدیم بعد از خانه ۹ حرف شمردیم به حرف ق رسید عدد مراتبی جملی را خواستیم اتصال کنیم عدد ت ۳ و ط ۱ جمع کردیم ۴ شد از سطر ت ۴ سطر شمردیم به سطر ۲۷ ظ رسیدیم باری مطلوب ت از این اتصال ظ شد همچنین ۴ خانه از خانه ط شمردیم به خانه ۱۴ ن رسیدیم مطلوب حرف ت از این اتصال مراتب ده گانی ن شد پس این دو حرف ط و ن شد

ت	د	ذ	ظ	ظ
ط	ل	ق	ن	ن

عدد حروف مطلوبشان ۲۳۰ عدد بود به طرح منازلی بردیم و عدد مطلوب ت ۲۵۰۴ شد اول مطلوب مستحضره ت را استخراج می کنیم به قاعده اول عدد مستحضره ت را که ۲۳۰ است عدد هر دو به طرح منازلی بردیم حاصل مطلوب ت ۱۲ ل شد و حاصل مطلوب ط ۶ و شد . اگر هر گاه در خانه های سطر زمام سؤال علامت جزء الف و علامت خانه یکان باشد عدد مابه التفاوت اتصال مراتب جملی آنها را در آخر عدد حاصل طرح آنها می افزاییم و مستحضره هر دو را در آخر از حروف مطلوب یکان می گیریم چنانچه در اینجا انجام دادیم اول زمام چهار حرفی غ ظ ت ط

بود عدد مابه التفاوت آنها ۳ بود بر آخر حاصل مطلوب ط که آخرین حرف بود افزودیم ۹ شد بعد ۹ خانه از خانه ای که حرف مطلوب ط ما را نشان می داد یعنی جزء ل صفحه ق سطر ن خانه ن ۹ خانه شمردیم به خانه ۲۴ خ رسیدیم مستحصله ت حرف خ شد همچنین از حرف ت ۱۲ بود حرف باز از جزء ل صفحه ق سطر ن خانه ن ۱۲ حرف شمردیم به خانه ض رسیدیم تا اینجا ۴ خانه ۴ خانه مستحصله استخراج نمودیم

حروف زمام مستحضره	غ	ظ	ت	ط
مستحصله	ث	ع	خ	ض

کل مستحصله سؤال : اسم وصی بلا فصل محمدا بن عبدالله چیست ؟

خانه ها	خانه اول				خانه دوم				خانه سوم				خانه چهارم			
زمام مستحضره	ص	م	ح	ج	ن	ب	م	ی	د	ش	ص	ض	غ	ظ	ت	ط
مستحصله	ح	س	ا	ا	ق	ظ	ع	ر	ض	د	س	خ	ت	خ	خ	ض

حالا شروع به گرفتن مستحضره خانه پنجم سطر زمام می کنیم :

حروف خانه پنجم سطر این دو حرف

جزء	صفحه	سطر	خانه
ج	غ	ز	ع

بود پس خواستیم که مستحصله دو حرف اول جزء و صفحه بگیریم یعنی حروف ج غ از اتصال کلی عدد اتصالات جامعه ج غ ۸۴ بود طرح درجاتی کردیم ۲۴ شد پس عدد جزء و صفحه را افزودیم ۵۵ شد طرح منازل کردیم ۲۷ شد بعد ۲۷ جزء شمردیم به جزء ۳ و از صفحه غ ۲۷ جزء شمردیم به غ رسید پس مطلوب ج ، ج و غ ، غ شد و از اتصال عنصری ج آبی و غ خاکی که هر دو طالب و مطلوب یکدیگرند بعد عدد مراتب عنصری هر دو را گرفتیم ۷ شد قابل طرح افلاکی نبود عدد مراتب عنصری حرف ماقبل را افزودیم ۲۹ شد به طرح افلاکی بردیم ۲ ماند از جزء ج ۲ جزء شمردیم به جزء ۶ و رسید از صفحه غ ۲ صفحه شمردیم به صفحه ۳ رسید از اتصال مراتب جمعی ج و غ ۵ عدد بود چون این اتصال طرح نداشت ۵ جزء از جزء ج شمردیم به جزء ۹ رسید و از صفحه ۲۸ ، ۵ صفحه شمردیم به صفحه ۶ و رسید مطلوب ج و غ از این اتصال مراتبی جمعی ده گانه ط ، و شد و از اتصال عدد مطلوب جمعی ج ، غ ۴ عدد بود قابل طرح بروجی نبود عدد ما قبل را افزودیم که غ حرف ما قبل نداشت عدد ما قبل ج را افزودیم ۷ شد قابل طرح بروجی نبود طرح کواکب کردیم تا به آن تلاقی و تدارک کنیم یک طرح کامل شد چون ج و غ یکان با الف بود پس عدد ما به التفاوت اتصال عدد مراتب جمعی ۱ یکان عدد د است و غ ۴ عدد سه عدد زیاد داشت و ج از عدد مراتب جمعی ۳ عدد داشت و غ ۱ عدد ، ۲ عدد زیاد داشت و ج از عدد مراتب جمعی ۳ عدد است و غ ۱ عدد ، ۲ عدد زیاد داشت و ما به التفاوت ۲ و ۳ ، یک عدد بود که بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جمعی که ۷ بود افزودیم ۸ شد از جزء ج ۸ جزء شمردیم به ل رسید بعد ۸ صفحه تاز صفحه ۲۸ شمردیم به ط رسید .

جدول احکام ۱۶ گانه :

اتصال مراتب	ا ه	ه ن	ج ت	و ث	ع	صدگان صدگان
یکان بیکان	ی و	ک س	ل ح ش	د ع	ع	ث
دهگان بدهگان	ق ر	ر ع غ	ا ف	م ع و م	ع	ک س
صدگان بصدگان	ع ح	ف	ا م ن	ق ک ل	غ	ا ب ن

از این ۱۶ نوع ۱۰ نوع را یک حکم است و ۴ نوع را یک حکم دیگر و ۲ نوع آخر را نیز حکمی دیگر اما ۱۰ نوع اول مثال: یکان و یکان، یکان و دهگان، دهگان و یکان، دهگان و صدگان، صدگان و دهگان، صدگان و صدگان، و صدگان، هزارگان و هزارگان، دهگان و یکان.

این ۱۰ نوع همان عدد مرتبه آنها گرفته میشود و به طرح می‌رود اگر قابل طرح نبود عدد مرتبه ماقبل آنها را می‌افزایند و به طرح می‌برند و اگر پس از عدد ماقبل □ باز به طرح نرود به طرح دیگری ببرید و هنگام گرفتن مستحصله تدارک این طرح فوت شود ما اگر دو حرف ماقبل نداشته باشیم از همان عدد مرتبه خودشان مطلوب می‌گیریم و در وقت گرفتن مستحصله از جفر تلاقی می‌کنیم آن ۴ نوع دیگر حکمشان اینست: یکان و صدگان، دهگان و هزارگان، صدگان و یکان، هزارگان و دهگان، بعثت اینکه این ۴ اتصال یک مرتبه دورند حکم این ۴ قسم این است که هر یک از آن دو حرفی که از این ۴ نوع هستند عدد مراتب جمعی آنها نیز گرفته عدد ما به التفاوت مراتبی ایشان بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جمعی ایشان افزایش و حرف مطلوب بگیرند. اما این ۲ نوع دیگر که در حکم دیگر است این است یکان و هزارگان، هزارگان و یکان بعثت اینکه این ۲ اتصال ۲ مرتبه از هم دورند حکم دو نوع این است که هر یک از آن دو حرف که از این ۲ نوعند عدد مراتبی جمعی آنها را گرفته و عدد عدد مراتب جمعی ایشان را نیز گرفته عدد ما به التفاوت مراتب آنها را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جمعی آنها را افزایش مطلوب گیرند و پس از گرفتن مطلوب یعنی مستحضره هنگام گرفتن مستحصله نیز همین عدد مابه التفاوت آنها را نیز بر عدد حاصل طرح عدد مطلوب آن افزایش و پس از آن مستحصله گیرند. فرق این ۲ نوع با این ۴ نوع اینست که چون این ۲ نوع ۲ مرتبه از هم دورند پس ۲ مرتبه عدد مابه التفاوت آنها را بر عدد حاصل طرح آنها بیافزایند هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال عدد مراتب جمعی و یکی هنگام گرفتن مستحصله از خلاصه عدد حروف مطلوب و آن ۴ نوع است چون یک مرتبه از هم دورند یک مرتبه عدد مابه التفاوت آنها را بر عدد حاصل طرح آنها افزایش که همان هنگام گرفتن مطلوب در اتصال عدد مراتبی جمعی باشد چون انواع و احکام اتصالات

معلوم شد
ج و غ را که

مستحضره جیم	ج	و	ط	ل	مستحضره غین	غ	ج	و	ط
-------------	---	---	---	---	-------------	---	---	---	---

حروف مطلوب از اتصال

گرفتیم به این طریق قاعده کلیه مستحصله استخراج کنیم.

عدد مطلوب ج ۴۸ شد و عدد مطلوب غ ۱۰۱۸ شد پس خواستیم مستحصله ج را استخراج کنیم مطلوب غ که ۱۰۱۸ بود طرح منازلی کردیم ۱۰ شد ما به التفاوت عدد جمعی آنها ۱ بود جمع افزودیم $10 + 1 = 11$ شد پس به تدارک طرح بروجی که در اتصال فوت شده بود و به طرح کواکبی که ۷ بود برده بودیم همان طرح کواکبی را که از عدد بیرون کرده بودیم بر این عدد افزودیم ۱۸ شد و یتلافی طرح بروجی که فوت شده بود به طرح بروجی بردیم حاصل ۶ شد از همان خانه که حروف مطلوب غ به ما نشان داده بود از جفر جامع ۶ خانه شمردیم به خانه ۱۶ سطر ۶ صفحه ۳ جزء ۲۸ جفر جامع رسید حافظ آن خانه ع بود مستحصله ج بدست آمد مستحصله ج، ع شد حالا مستحصله غ را استخراج می‌کنیم عدد مستحضره حرف ج ۴۸ بود طرح منازل کردیم ۲۰ ماند یتدارک طرح بروجی که فوت شده بود و به طرح کواکبی برده بودیم که ۷ عدد طرح کواکبی بود بر ۲۰ افزودیم ۲۷ بدست آمد پس تلاقی فوت به طرح بروجی بردیم حاصل طرح ۳ ما به التفاوت ۳ اتصال مراتبی هر دو را که ۲۰ بود اضافه کردیم و دیگر لازم نبود اضافه کنیم از مستحضره ج که ما را نشان داده بود از جزء ۳ صفحه ۶ سطر ۹ خانه ۱۲ ۳ خانه شمردیم به جزء ۳ صفحه ۶ سطر ۹ خانه ۱۵ رسید حافظ خانه س عدد اتصال جامعه کلی ایشان ۱۸۴ شد به طرح درجاتی بردیم ۴ ماند عدد سطر و خانه را افزودیم ۲۷ شد قابل طرح منازلی نبود پس به طرح بروجی بردیم تا بعد از این تلاقی و تدارک ما فوت نشود حاصل طرح ۳ شد ۳ سطر که از سطر ز بود شمردیم به طرح ک رسید و در خانه از خانه ۱۶ بود شمردیم به خانه ۲۰ رسید پس مطلوب ز و ع از این اتصال جامع ک ز شد و از اتصال عنصری ز و ع خواستیم مطلوب هر دو را بگیریم ز حرف آبی است و ع حرفی خاکی و طالب و مطلوبند پس عدد مراتب آنها را گرفتیم ض د و ۲ عدد داشت و ع ۴ عدد جمعا ۶ شد قابل طرح افلاکی نبود پس عدد حروف ماقبل هر دو را افزودیم یعنی ز که ۱ بود و عدد ماقبل ۶ این با هم ۷ شد طرح افلاکی کردیم شد ۴ پس از چهارم از سطر ۷ ز

شمردیم به طرح ۱۲ ل هم رسید و مطلوب ز از این اتصال حرف ل شد و ۴ خانه از خانه ۱۶ ع شمردیم به خانه ۲۱ ش رسید پس ل، ش برای ز، ع از اتصال عنصری مطلوب حالا از اتصال مراتب جملی ز، ع یکان در دهگان بود عدد مراتب ز ۱ عدد مراتب ۴ د، ۲ بود جمعا" ۳ شد چون طرح نداشت پس ۳ سطر از سطر ۷ که ز بود شمردیم به خانه ۱۱ ک رسید ایضا" و ۳ خانه از خانه ۴ شمردیم به خانه ۲۰ ر رسید و از اتصال مراتب جملی ز، ع مطلوب ک، ر شد حالا از اتصال عددی مراتب جملی عدد مراتب جملی یکان و دهگان بود ز در مرتبه ۷ بود و ع نیز در مرتبه ۷ بود جمعا" ۱۴ شد به طرح بروجی بردیم ۲ ماند از سطر ز ۲ سطر شمردیم به سطر ی رسید از خانه ع ۲ خانه شمردیم به خانه ق رسید ی، ق شد از اتصال عدد مراتبی جملی این مستحضره مستحضره بدست آمد برای ز ۴ حرف و برای ع ۴ حرف کامل بدست آمد

مستحضره حرف ز	ک	ل	ک	ی	۸۰	مستحضره حرف ع	ر	ش	ر	ق	۸۰۰
---------------	---	---	---	---	----	---------------	---	---	---	---	-----

اول عدد ز ۸۰ شد و عدد مطلوب ع = ۸۰۰ شد خواستیم مستحضره ز را بگیریم از حاصل عدد مطلوب ع ۱۶ ماند تلاقی اتصال عنصری که ۷ بود و عدد ماقبل را گرفته بودیم و طرح کردیم عدد طرح شده را بر حاصل مطلوب ع که ۱۶ بود افزودیم ۲۳ شد پس از همان خانه که حرف آخر مطلوب ع که حرف ق بود ۲۳ خانه شمردیم از جفر جامع به خانه ۱۵ س رسیدیم پس مستحضره ز، س شد و حالا برای ع مستحضره میگیریم عدد مطلوب ز که ۸۰ بود و حاصل طرح آن ۲۴ بود به این طریق که به تلاقی طرح اتصال کلیه که فوت شده بود و ۲ طرح بروجی نموده بودیم همان ۲ طرح را افزودیم ۴۸ شد به طرح منازلی بردیم حاصل طرح ۲ شد از خانه که ۴ حرف مطلوب ص ما را نشان داده خانه شمردیم جزء ۱۱ صفحه ۱۲ سطر ۳ که حافظ خانه حرف ج میباشد رسید حالا مطلوب ص، خ، ث، ط آخرین را مثال بیاوریم که کافی باشد مطلوب ص و خ در اتصال کلی جامع و اتصال عنصری و مراتبی جملی و عدد مراتبی ۸ حرف بدست آوردیم.

مستحضره حرف ص	ذ	ث	خ	ت	۲۲۰۰	مستحضره حرف خ	ج	ا	ب	غ	۱۰۰۶
---------------	---	---	---	---	------	---------------	---	---	---	---	------

خواستیم مستحضره حرف ص را از مطلوب خ بگیریم عدد مطلوب خ ۱۰۰۶ بود حاصل طرح ۲۶ شد از خانه مطلوب خ که ما را نشان داده بود شمردیم به خانه ۲۶ سطر سوم گرفتیم که حرف ص را ص مستحضره شد حالا برای خ مستحضره میگیریم عدد مطلوب ص ۲۲۰۰ بود حاصل طرح ۱۶ شد نا به التفاوت مراتب جملی و عددی مراتبی جملی هر دو ۲ عدد بود اضافه کردیم ایضا" حرف مطلوب خ شمردیم به خانه ۱۴ حرف ط رسید و مستحضره خ ط شد.

توضیحات اضافی :

اگر عدد طرح اتصال کلی قابل طرح منازلی نباشد به طرح بروجی میبریم چون ن و ب، ر و ع عمل شد بعد از آن موقع مستحضره گرفتن از ۴ حرف مستحضره پس از آنکه به طرح منازلی بردیم همان عدد طرح شده یعنی ۲ طرح یا یک طرح که از اتصال کلی طرح شده و قابل طرح منازلی نبود بر بقیه عدد مستحضره اضافه کردیم که قابل طرح منازلی بشود بعد به طرح منازلی برده و مستحضره بگیرد یا از ما قبل عدد فرض کرده اضافه کنید که قابل طرح منازلی شود بعد به طرح منازلی برده یا در عدد مستحضره ز ع در اتصال مخالف عنصری عدد توالی اول" و عدد عدم توالی ثانیا" اگر به طرح ۹ رسید فنعم المطلوب به وضع کلام هر دو را میتوانیم جمع کنیم و به طرح برده و اگر نشود به طرحهای دیگر یا به همان عدد که حاصل شد حرف میگیریم و بعد از مستحضره تلاقی طرح فوت شده را میکنیم .

نکته:

اگر عدد ۲ حرف مخالف به طرح رفت و ناطق نشد بعد از تمامیت مستحصله به طرح ۷ برده و تلاقی کنید در مستحصله از هر مسمی که ما به التفاوت دارد و اگر باز ناطق نشود هر عدد که از همین عنصر مخالف کمتر از ۷ باشد جمع باید کرد و حروف گرفت و در مستحصله تلافی میکنیم و از مطلوبش نیز بدهید که ناطق شود .

نکته:

اگر در ۲ حرف اتصال از ۴ حرف ۲ تلاقی لازم داشته باشید میتوان ۱ تلاقی در این ۴ حرف قرار داد و یک تلاقی در ۴ حرف دوم که ناطق بشود .

نکته:

اگر عدد ما به التفاوت از یک سمیت باشد آن اخذ باید کرد و اگر تدارک دارد تدارک میکنی و از آن حرف ی که تفاوت دارد بقیه التفاوت را بهمان عدد از حرف مطلوب سیر بدهید و مستحصله را از مطلوب بگیرید و این مطلب را از حرف ذ ز میتوان درک نمود.

نکته:

در جمع اتصال عنصری موافق و مخالف چنین قاعده نداشت و ندارد اگر عدد مرتبه ۲ حرف قابل طرح دیگر هست به طرح دیگری میبریم والا عدد ماقبل یا مابعد را اضافه کرده و به طرح ببرید.

نکته:

اگر اتصال یکان و صدگان یا یکان با هزارگان از هر دو سمت مابه التفاوت نداشته باشد و از یک سمت داشته باشد همان یک سمت را گرفته کمافی ذ ز پس اضافه کرده و اگر ۵ تفاوت ندارد از هم در میرویم .

نکته:

از غیر غالب در اتصال یکان و صدگان و اتصال مراتبی جملی بعد از اضافه ما به التفاوت اگر باشد در آخر طرح از مستحضره باید از آخر مطلوب یکان شروع به شمارش کنید و مستحصله بگیرید چون ت ط و در د ش تخلف نمودیم چون ضد و نقیض بودند باید جهت تخلف نمودیم .

نکته:

اگر عدد مستحضره از ۲۸ کمتر باشد چون مستحضره غ ظ که ظ ۲۱ آمد این عدد ناطق شد در ص ذ گفته شد قاعده مستحضره ذ از ۲۸ کمتر است همان عدد ۲۸ را به نطق در آورد دیگر او را به طرح کوکبی و افلاکی نباید در هر دو حال آنکه به طرح منازلی که قاعده اش بود رفت.

نکته:

در جایی که محتاج یتلافی است اولاً " عدد ۴ حرف را باید گرفت و به طرح منازلی برد پس آنکه باقی ماند عدد طرح را بر این عدد باقی اضافه کنند تلافی کنند .

نکته:

در اتصال مخالف عنصری اگر به توالی بردی و طرح کردی بقاعده ناطق نشد برگردد حروف عنصر از عدم توالی بگیرد باز اگر ناطق نشود از عدد توالی و عدم توالی هر دو را جمع کرده اگر به طرح رسید طرح کنید و اگر نرسید به طرح از همان عدد حرف گرفته و بعد تلاقی کنید که ناطق بشود .

نکته:

اگر عدد مستحضره معادل یک طرح منازلی بشود که ۲۸ باشد و یا با عدد طرح کوکبی باشد یعنی طرح افلاکی فوت شده باشد آن عدد کوکبی را نباید اضافه بر ۲۸ نمود بلکه باید همان عدد ۲۸ فقط را به طرح افلاکی ببریم بدون علاوه عدد کوکب تا تلاقی شود کما فی م ی .

نکته:

در اتصال مراتب جملی اگر عدد هر دو حرف قابل طرح بروجی نباشد عدد ماقبل را به او میافزاییم اگر چه عدد ماقبل بعد از طرحش همان ۱۲ ماند چون ظ در ایقغ که ماقبل ۳۶ و ۳۶ را ۱۲ و ۱۲ طرح بنماییم همان ۱۲ میماند در غ ظ گفتیمنه اینکه بگویی حالا که عدد ماقبل بعد از طرح بروجی جز ی نمیماند پس عدد خود دو حرف را بدون عدد ماقبل به طرح دیگری ببرید یعنی چنین نکنید و کذلک در اتصال دو حرف عنصری چنین است.

نکته:

در م ی چون در دو اتصال طرح بروجی و افلاکی که قاعده کلیه بود بهم خورده بود خواستیم تدارک تلاقی کنیم چون هردو در اتصال طرح بروجی و افلاکی که قاعده کلیه بهم خورده بود چون در هر دو اتصال به طرح کوکب حاصل طرح گرفتیم لهذا یک طرح کوکب ۷ عدد بر حاصل طرح عدد مطلوب هر دو افزودیم.

نکته:

اتصال مراتب جملی دهگان با یکان چون ب به هر طرح که قاعده کلیه تقاضا میکردی ببریم یعنی ب از اضافه کردن عدد ماقبل آن حرف را میافزاییم و طرح میکنیم و اگر ماقبل ندارد عدد مابعدش را یعنی همه مرتبه مابعدش را که ۲۷ است کافی العنصر میافزاییم با همان طبع که ۶ حرف دیگر است یعنی در اھطم میافزاییم و به طرح میبریم .

نکته:

در حروف مستحضره اگر محتاج به اسم تلاقی درجی مثلاً "عدد اتصال مراتب جملی هردو و عدد حروف مستحضره با ۲۴ مثلاً" بود که قابل تلاقی نشود میتوان همان عدد ۲۴ را تلاقی و طرح حرف گرفت به همان عدد و نطق داد چنانچه در عمل معلوم است اگر قابل این است که به طرح دیگر ببریم میبریم و بعد تلاقی با صدگان مینماییم کما فی ب ب و این مطلب از جدول مرقوم آخر نکات است .

نکته :

در ز ع گفتیم چون عدد اتصال عنصری ز ع ۶ بود قابل طرح افلاکی نبود و ۷ عدد از ماقبل ز ع اخذ کردیم و به عدد عنصری ز ع افزودیم ۱۳ شد ۹ طرح ۴ باقیماند گرفتیم در مستحصله تدارک کرد به این نوع ذکر کردیم که عدد ع ۱۶ بود تلاقی اتصال عنصری که ۷ بود حرف ما قبل را گرفتیم طرح کردیم این ۷ عدد طرح شده را بر عدد حاصل طرح مطلوب ع که ۱۶ بود زیاد کردیم ۲۳ عدد شد پس از همان خانه مستحصله میگیریم .

نکته:

در اتصالات صدگان و دهگان چون ض و ص مطلبی معین گفته ایم که عدد مطلوب ض بعد از طرح ۱۹ بود قابل طرح منازلی نبود لهذا به هیچ طرح نبردیم و همچنین عدد را نگهداشتیم و عدد مطلوب ص طرح منازلی بردیم حاصل طرح ۵ شد چون حاصل طرح که ۵ بود فرد بود و ۱۹ هم فرد بود و ۱۹ بیشتر و به طرح نرفته بود لهذا مستحصله هر دو را از عدد مطلوب ض گرفتیم.

جدول عنصری مخالف و ضد و نقیض: عدد ماقبل افلاکی شود.

۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	
ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	
ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	
د	ح	ل	ع	ر	خ	غ	
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۱	عدد مابعد

جدول عدد مراتبی ماقبل و ما بعد ندارد.

	۱	۳	۶	۱۰	۱۵	۲۱	۲۸	۳۶
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص
ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ
غ								

دوایر ثلاث: این دوایر در قاعده اتصال کاربرد دارد.

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
نظيره	ض	ص	ث	خ	ح	ن	ق	ر	ل	د	ا	ب	ز	م	ع	ت	ظ	غ	ذ	ف	ط	ی	س	ش	ه	و	ک	ج
اعداد وضعی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸

جدول طالب و مطلوب و موافق:

حروف ما قبل		۱	۳	۶	۱۰	۱۵	۲۱	۲۸	۳۶	۴۲
	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ض	ظ	غ
	ب	و	ی	ن	ص	ت	ث	خ	ذ	ض
	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	غ		
	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ			
	۲۷	۹	۷	۴	۹	۴	۷			
عدد مابعد عنصری										

جدول جامع کل:

۲۸	۵۶	۸۴	۱۱۲	۱۴۰	۱۶۸	۱۹۶	۲۲۴	۲۵۲	۲۸۰	۳۰۸	۳۳۶	۳۶۴	۳۹۲
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۴۲۰	۴۴۸	۴۷۶	۵۰۴	۵۳۲	۵۶۰	۵۸۸	۶۱۶	۶۴۴	۶۷۲	۷۰۰	۷۲۸	۷۵۶	۷۸۴

اشتراک جامع کلی

ص - م = ج ض -----

ج - ج = ک - ک -----

ن - ب = ۱۲-۲۲ = ۱۰ = ذ م -----

م - ی = ذ ت -----

د - ش = ف و -----

ص - ض = ا ط -----

غ ظ = ج ب -----

ت ط = ذ ل -----

ج غ = ج غ -----

ز ع = ۱۲-۲۷ = ۳ = ک ر -----

د ر = س ج -----

ح - ف = ط ص -----

ص - ی = ذ ف -----

ذ ز = ش ج -----

ص خ = ج -----

ث ط = ذ ک -----

اشتراک جامع کلی بر اساس دانسته های خودمان درست است .

اتصال عنصری

ص م = باد و آتش = طالب و مطلوب = ۵ + ۴ = ۹ = غ ث

ج ج = اب آب = متماثل = ۱ + ۱ = ۲ + ۲۷ = ۲۹ - ۹ = ۲ = و

ن ب = باد و باد = متماثل = ۱ + ۴ = ۵ - ۶ - ۹ = ۲ = ف ه

م ی = آتش باد = طالب و مطلوب = ۴ + ۳ + ۳ + ۶ = ۱۶ - ۹ = ۷ = ش ص

د ش = خاک و آتش = مخالف = ۷ + ۵ - ۹ = ۳ = ح ذ

ص ض = باد و باد = متماثل = ۵ + ۷ - ۱۲ - ۹ = ۳ = ت ب

غ ظ = خاک و آب = طالب و مطلوب = ۷ + ۷ - ۹ = ۵ = و ه

ت ط = باد و آتش = طالب و مطلوب = ۶ + ۳ - ۹ = ۰ = د ق

ج غ = آب و خاک = طالب و مطلوب = ۸ + ۲۱ - ۹ = ۲ = و ج

ز ع = آب و خاک = طالب و مطلوب = ۲ + ۴ + ۷ - ۹ = ۴ = ل ش

د ر = خاک و خاک = متماثل = ۱ + ۵ = ۶ - ۹ = ۳ = ح خ

ح ف = خاک و آتش = مخالف = ۲ + ۵ = ۶ - ۸ = ۰ = ف ض

ص ی = باد و باد = متماثل = ۵ + ۳ = ۴ + ۴ - ۹ = ۷ = ض ص

ذ ز = آتش و آب = ضد و نقیض = ۱ + ۳ + ۶ - ۲ - ۹ = ۳ = ک

ص خ = باد و خاک = ضد و نقیض = ۶ + ۷ - ۹ = ۴ = ث ا

ث ط = آب و آتش = ضد و نقیض = ۷ + ۴ - ۹ = ۲ = ض ل

احکام متماثل = عدد عنصری دو حرف را جمع می کنیم و به طرح ۹ می بریم که به طرح نرفت دو حالت دارد: اگر دو حرف ما قبل نداشت عدد کل مراتب را اضافه می کنیم اگر داشت مابعد اولی و ماقبل دومی را اضافه می کنیم اگر دومی ماقبل نداشت عدد خودش را اضافه می کنیم. و بعد در وقت مستحصله نمودن طرح ۹ را تلافی می کنیم.

احکام طالب و مطلوب = عدد عنصری دو حرف را جمع می کنیم و به طرح ۹ می بریم اگر دو حرف به طرح نرفت عدد حروف ماقبل را به آن اضافه می کنیم و بعد به طرح می بریم.

مخالف = اگر نخورد باید عدد ماقبل را باهم جمع کنیم و بعد به طرح ببریم.

ضد و نقیض = قاعده ضد و نقیض بر خلاف سه دسته دیگر باید عدد توالی عنصری را جمع می کنیم و بعد به طرح می بریم.

اتصال مرتبه ای اول

عدد مراتب یکان دهگان صدگان هزارگان حروف را با هم جمع می کنیم و بعد از حروف می شماریم.

$$\text{ص م} = ۲+۲=۴ = \text{ث ص}$$

$$\text{ج ج} = ۱+۱=۲ = \text{و و}$$

$$\text{ن ب} = ۱+۲=۳ = \text{ص و}$$

$$\text{م ی} = ۲+۲=۴ = \text{ص س}$$

$$\text{د ش} = ۱+۳=۴ = \text{ط ض}$$

$$\text{ص ض} = ۲+۳=۵ = \text{خ د}$$

$$\text{غ ظ} = ۳+۴=۷ = \text{ح ز}$$

$$\text{ت ط} = ۳+۱=۴ = \text{ظ ن}$$

$$\text{ج غ} = ۱+۴=۵ = \text{ط و}$$

$$\text{ز ع} = ۱+۲=۳ = \text{ک ر}$$

$$\text{د ر} = ۱+۳=۴ = \text{ط ذ}$$

$$\text{ح ف} = ۱+۲=۳ = \text{ل ش}$$

$$\text{ص ی} = ۲+۲=۴ = \text{ث س}$$

$$\text{ذ ز} = ۳+۱=۴ = \text{ب ل}$$

$$\text{ص خ} = ۲+۳=۵ = \text{خ ب}$$

$$\text{ث ط} = ۳+۱=۴ = \text{غ ن}$$

اتصال مرتبه ای دوم

$$\text{ص م} = \text{دهگان دهگان} = ۹+۴-۱۲=۱ = \text{ر س}$$

$$\text{ج ج} = \text{یکان یکان} = ۳+۳+۳-۱۲=۱۲ = \text{ع ع}$$

$$\text{ن ب} = \text{دهگان یکان} = ۵+۷-۲=۷ = \text{ت ی}$$

$$\text{م ی} = ۴+۱+۵=۱۱-۷=۴ = \text{ص س}$$

$$\text{د ش} = \text{یکان صدگان} = ۴+۳+۳+۲=۱۶-۱۲=۴ = \text{ط ض}$$

$$\text{ص ض} = \text{دهگان صدگان} = ۹+۸-۱۲=۵ = \text{خ د}$$

$$\text{غ ظ} = \text{هزارگان مات} = ۱+۹+۰+۳۶-۱۲=۱۰ = \text{ک ی}$$

$$\text{ت ط} = \text{صدگان یکان} = ۴+۹+۳+۴=۲۸-۱۲=۱۶ = \text{ظ ن}$$

ج غ = یکان هزارگان = $1+2+1+3=7-7=1+7=8$ ل ط

ز ع = یکان دهگان = $12-7+7=2$ ی ق

د ر = یکان صدگان = $4+1+3+2+4=12-14=2$ ز ث

ح ف = یکان دهگان = $12-8+8=4$ م ت

ص ی = دهگان دهگان = $1+9=12-36=10$ ش

ذ ز = صدگان یکان = $4+6+6+7+7=30-12=6$ د ن

ص خ = دهگان صدگان = $12-6+9=3$ ت غ

ث ط = صدگان یکان = $4+8+4+9+5=30-12=6$ ب ع

الف	مات	عشرات	آحاد	
---	---	-	-	آحاد
---	-	-	-	عشرات
-	-	-	---	مات
-	-	---	---	الف

آبی : عدد افلاکی را جمع می کنیم به طرح ۱۲ می بریم . اگر نرفت کلیه اعداد ماقبل را اضافه می کنیم. اگر نرفت به طرح

دیگر (۷ یا ۴) می بریم اگر نرفت همان عدد را می گیریم و در مستحصله تلافی می کنیم.

قرمز: عدد افلاکی را جمع می کنیم و به اضافه عدد ماقبل می کنیم و بعد از آن جمع عدد مراتب را اضافه می کنیم. (ماقبل

یعنی عدد افلاکی حرف گذشته که ۱ عدد ماقبل ندارد)

سبز : عدد افلاکی را جمع می کنیم بعد مجموع اعداد ماقبل آحاد را اضافه می کنیم و به طرح ۱۲ می بریم اگر نرفت طرح ۷

می کنیم و بعد به طرح می بریم و در وقت مستحصله تلافی می کنیم و بعد از آن عدد ۱ را به جهت فاصله این دو از هم اضافه

و سپس به آن عدد از هر دو حرف می شماریم.

حروف ص م : در ص به همان عدد شمرده است و یکی جلوتر نگرفته است و برای م باید حرف ی یا ط می شده که باید ح

شدن آن بررسی شود احتمال می رود که آن را از م شمرده باشد تا از س .

حروف ج ح : در ج ۲ را به خاطر اینکه به طرح نرفته بود و ۲ بود در طرح افلاکی اضافه نمودیم .

حروف ن ب :

م ی : در جمع اعداد از حرف اول بعد از شمارش یکی جلوترش را گرفتیم ولی برای حرف دوم خود همان حرف را گرفتیم.

ص ض : چون به اعداد ۵ و ۱۹ رسید و هر دو فرد بودند و ۱۹ به طرح نرفته بود آن را گرفتیم و از هر دو به عدد ۱۹ شماردیم.

غ ظ : ۹ را به اضافه ۳۶ کردیم شد ۴۵ طرح ۲۸ بردیم شد ۱۷ و آن را طرح ۱۲ بردیم شد ۵ و این کار را به دلیل این کردیم

که حرف بعدش به طرح ۲۸ نمی رفت و بعد از آن ۲۴ را طرح ۱۲ نمودیم ۱۲ شد و شمردیم .

[illegible]